

کنج بی رنج

(بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين)

چند روز پیش یکی از سر حاکم مجاهدین پیغام مبنی بر ستم که چندین سرایه شباهت، و جبهه اقل تو در میان مجاهدین افتاده و مرتفع شده ولی این سوءعظن بر سوء نتیجه نخواهد ماند الا اینکه فکری بکنی که انقلابات مملکتی عنقریب مرتفع شود زیرا تو کسی هستی که بخوای و بتوانی عجاله از معارضه با وی اجتناب نموده

میگویم صرک اگر دور است کو نزدیک من ای نادراغوشش کشم من تنک تنک

من از او جانی ستانم نو به نو او زمن دلفی رباید رنگ رنگ

بفساد امم بیرونه پیدا وزراء فریب این آخرین خدمت خود را در راه سعادت ایران و ایرانیان طبع و نشر میکنم و او انهم عن السمع لمعز و اون

امروز که گشتی ما خدا کریمت و بادبان کسب خفته مملکت ایران در مجمع البحرین پلتیک اروپاییان دوچار چهار موجه اختلافات داخله ایرانیان آردیده مشرف بفرق شد است مقدمه ترتیب داده ام که تمهید آن برای ایرانیان آسان تر از هر آسانی بوده گشتی نشینان را بساحل بحات ابدی و سر منزل جهنم سرمدی می راند

(چه باک از هرج و مرج بحر انرا که دارد فوج کشی است) بنا بر مصلحتی از مصالح از توضیح عین مقدمه در این ورقه تمضی نموده فقط به ذکر چهار نتیجه از هزاران نتایج نگفتمی آن ایرانیان را متذکر و امید وار میکنم که میتوانند با یک همجان وجدانی بی آنکه از دماغی خونی بیاید و یادیناری مصرف بخواهند و با خاطری آزرده گردد اولین سعادت دنیا و آخرت را برای خود و اخلاف خود جلب کنند اگر ترا هوس کاشن است پر بکشای که دشادان بر می رود بهار از دست

اولین نتیجه اینکه صبادان دور ایران که اردیبر زمان با ملیانها تومان دام خود را یکی گنج نابی ناب داده و ناره های انرا مانند غل جامه با طرف افراد ایرانیان انداخته اند محض به تمهید از مقدمه مجال اینکه دام خود را باز گشته بدست پساورده میکند و میکند (شد غلامی که ب جو ارد) (آب جوی آمد و غلام پیرد) (دام هر بار ماهی آوردی) (ماهی این بار رفت و دام پیرد) و میخواهند که این فرار بی اختیار را بروی بزرگواری خود نیاورند خاج تنظیم کشیده میکنند ما اروپاییان که حافظ حقوق و اساسش فرع انسان هستیم غرض از مداخله

برهه‌ام ایران فقط جلب يك چنین سعادت غیر مترقبه بود که بمحمدآقّه بهمل آمد به
مهر خود برهه کردیم و همان دوستدار قدیمی هستیم که بودیم
دویمین نتیجه اینکه چون آن مقدمه مهر میشود بیکسال بیشتر نمیکند عسرت و پریشانی
که در مزاج ایرانی حکم طبیعت ثانی گرفته است بگلی ایرانی بوداع کرده از فقر و
تنگی رنگی در ایران نماند و برای ایرانی مهر ~~که~~ در آخر سال به تپش سالپناهش
توجه میکنند می بیند که معاش سالپناه خود و کسانش را بیکسال وسعت گذرانیده و بهیضی
هم پس انداز دارد

سومین نتیجه اینکه چون آن مقدمه مراب میشود چندی طول نماند که در تمام
محاکات ایرانی جز محکمه وقاضی ثانی پیدا نمی شود و حاجب قانون بدست اخلاق حسنه
چنان برسینه سپهرات میزند که فتنه و فساد و شر و افساد حتم عفا میبرد ببلده طایفه
و رب غفور و كذلك یحیی الله الارض بعد موتها والیه النشور

چهارمین نتیجه اینکه همه ساله از اول حمل تا هم حمل بهجده کرور بانک روسی و
دوازده کرور بانک انگلیسی طلای مسکوک بسکه احمدشاهی بخزانه ایران احسان میکنند
اگر ذوقمندان ایران از بیان این نتایج ارببه عین مقدمه را با میان ممانه نکنند و محتاج
باصتیضاح کردند قول میدهم که هر وقت دارالشیرازی برای ملی تبدل الله ارکانه توضیح
عافی بخواهند چنان متین و یقین بر نفس برسام که در حقیقت و واقعیت ان احدی را از
طرف و طامی از دوست و دشمن ذره جای خنده و انکار نماند والله علی ما نقول و کپل

سرشک از رخت پاک کردن چه حاصل علاهی کنم کردلت خون بیاید

و محض اطمینان دیرباوران که در ایران وجود ندارند ذیلاً توضیح میدهم که منتجیت
مقدمه ما سر نتایج ارببه و صد چندان را جزاً در وقت همین شرایط ارببه است اولاً
تمهید آن مقدمه برای ایرانیان اسانتر از هر نسائیت ثانیاً از نتیجه تا مقدمه قطره خوانی
نخواهد رجحت ثلثاً دیناری مصرف نخواهد خواست و ایما در منتجیت مقدمه ما نتایج
ارببه را برای هر کسیکه اندک حس انسانی باشد ایما استبداد و استبداح نخواهد بود الا
اینکه ایرانیان خود را لایق این سعادت ندانند

بین جمادی و رجب ۱۳۲۸

(حاج میرزا حسن رشیدی) (طهران مطبعه شرقی)

بشارت عظمی

اتحاد سرداران

چون هر فردی از افراد مملکت باید تمام ایت خود را متوجه استقلال مملکت دانسته در چنین موقع نازکی از تمام خیالات و مقاصد شخصی صرف نظر فرموده متفق و یک جهت برای حفظ استقلال ایران و اسلام بکوشد اعضا کنندگان شرایط و مواد ذیل بکلام **مجید** قسم یاد مینمایند

(۱) عفو و اغماض از آنچه پیش از این در بین خودمان بوده و گذشته است

(۲) مساعدت با دولت مشروطه در صورت لزوم در دفع مواد فساد و اطاعت صرف از قوانین موضوعه مملکت

(۳) تمکین از احکام دولتی از نزع اسلحه از دست کسانی که اجازه حمل اسلحه ندارند

(۴) موافقت و یک جهت قیامین افراد سرداران و رؤسای ملی فی ۲۸ رجب

محمد ولی **نجف قلی** **علیقلی بختیاری** **باقر**

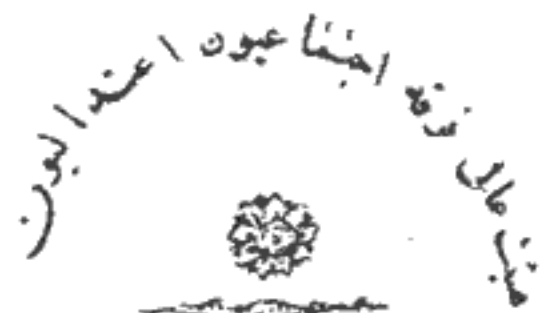
سپهدار اعظم **مصمم السلطنه** سردار اسعد **سالار ملی**

عبدالحسین **ضرغام السلطنه** **غلامحسین** **ستار خان**

سردار محمی **سردار محشم** **سردار ملی**

الچه در ظهر نوشته شده مطابق با نسخه اصل است که در ۲۸ رجب ۱۳۲۸ با حضور نمایندگان محترم در مجلس مقدس معاهده و قسم یاد نمودند لهذا در جریده مجلس یا در صورت لزوم محض قوانین انتشار در ورقه فوق العاده درج شود

(اداره مجلس شورای ملی ۲۸ شهر رجب ۱۳۲۸)



بیان نامه

بایدخواست

دو چیز تیره عقلست لب فرو بستن بوقت گفتن بوقت خاموشی . موقع گفتار است و اثبات حیات اگر مدتی خاموش بودیم برای این بود که بگفتن بیچون بیسرفی تویم اینکوت بموقع ما را مشاهده کاران دنیا با هزاران ضعف و وجد به بطرفی بصفت عدم توجه ما را خطاب مستوف نمودند برای اینکه (فردورمیا) دم سلکان او در هر جای دنیا باشند محض در ایران بداند که اینها را خطاب بزرگترین ایزدی ملت ایران است باید در این هنگام که موضع گفتن است بگوئیم . یکی از سیاه سبوز بزرگترین نوزدم گفت حقوق ملی گرفتن است نه دادنی ما هم قول همان سید بزرگتر است یعنی نموده میگوئیم (مستوف ملی گرفتن است نه دادنی) ایانا نخواهد می دهند؟ کجا میگوئیم هیچ عاقل با بصیرت جواب اشبانی در این شایع با نخواهد داد . مامدنی از خواستن خود داری کردیم چرا ؟ برای اینکه اولیای امور مبدول البید بوده بر رفع افتلابانیکه نتیجه ضعف قوای دولت بود موفق شوند . برای اینکه میدانستیم ما هم بجز اساس شرطیت خود داده ایم در موقع خواستن خواهیم خواست . برای اینکه می دانستیم اولیای امور چه از رجال ندیم چه از اشخاص جدید باشند بقدر کفایت دانسته اند که ملت اصول شرطیت صرف نظر نخواهد کرد . برای اینکه میدانستیم که همین دولت میدانند که خود زاده شرطیت است . برای اینکه میدانستیم میدانیم که شخص ازل در پیش دولت با ما عهد و پیمانته و بی با تمام اینها از آن مطلب بزرگتر هم صرف نظر نکرده ایم که (حقوق ملی گرفتن است نه دادنی) اکنون که موقع خواستن است با بحال ادب هیئت محترم وزراء را در کمال انحصار مند کریم بنماییم که نلوب ملت بی اندازه از ناخبر انتخاب در جوش است و مواعید منما مبه الهاب طلب را خاموش نوازند کرد . خوبت هیئت دولت اساس چهارم خود را بر احسانات ملت فرار دهد تا موفقیت حکومت در اجرای عهدنامه خود قطعی باشد تاریخ برای شرق حکومتهای دنیا در اقدامات خود بهترین معلوم است . ما از هیئت دولت دهیل و سائل اجراء امرانتخابرا متوفعیم . ما از دولت رد حقوق ملی را بملت خواهیم ، ما از دولت دفع انتظار خود ما را از اعلا امر انتخاب منتظریم . ما از منفعت پرستان مملکت که از ناخبر امر انتخاب شکر میکنند و اسباب غفلت اولیای امور برای اجرای اغراض دناست کارا نشه خود فراهم مینمایند از هر نوع و هر لیاقت میباشند حبتا منتظریم . ماملت را با اثبات در طلب و حبت مینماییم که بهترین راههای وصول به مطلوب است و اطمینان میدهمیم که عن قرب از این راه به مقصود خواهیم رسید



در مطبعه مطهره مطبوعه

تصویر ۶۳

اذا جاء اجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون

ما دجاهدین سبیل الله و فداییان ملت نجیبه ایوان از خبر و حشت اثر
رحلت پدر تاجدار شاهنشاه حریت بخش اعلیحضرت مظفرالدین شاه
کبیر انارالله برهانه زاید الوصف متاثر و متولم است عموم اسلامیان
خاصه هموطنان عزیز را از این حادثه هو لحه تسلیم و تعزیت داده از قادر
ذی الجلال مسلت مینماییم که روح مقدس ان شاهنشاه جمجاهوا
بامقربین درگاهش محشور فرماید.

و اسفا!! و املتا!!

ای شاهنشاه مبرور اینک از بدو جلوس تا انتهای عمر خود این همه زحمات فوق العاده را
کشیدی! ایواب سعادت و ینک نامی را بروی ما ایرانیان کشودی!! و نام نیک در صفحه
روزگار گذاشتی!!! آیا در نفس و اسپین ما پچار کنرا بکسی سپردی?? آنکسیکه بعد از پدر
روف ما جانشین و وارث تخت کیان میشود! هیچ توصیه ما را فرمودی?? بلی به وجدان
پاک و فطرت مطهرت قسم که همه نکلمات آخرین سفارش ما ملت نجیبه بوده و همواره
روان مقدست بدور دارالشورایی مای خواهد گردید! ما فرقه مجاهد و فدائیان وطن
در عوض این همه مراحم شاهانه و الطاف خسروانه متعهد میشویم که قدر این نعمت عظمی
را دانسته تاجان در بدن داریم از دست ندهیم و هر آنکسیکه مخمل و مانع پیشرفت مقاصد عالییه
ان پدر مهربان بشود ریشه وجود نجسش را از روی زمین برکنیم تا روح مطهرت را از خودمان
راضی بیفکنیم

و امید داریم که خاف تاجدار آن شاهنشاه کبیر ملاحظه مال خود و استقبال ما ایرانیان
را نموده موسی و ایزدی و ای نعمت مبرور بوده بهمان رویه اسباب سعادت و رفاه ملت
را فراهم بیاورند

قارون هلاک شد که چهل خانه کنج داشت نوشیروان نمرود که نام نکو گذاشت

مغفور باد شاهنشاه کبیر زنده و پاینده باد حریت و مشروطیت





جسماً خیانت

سواد کاغذ مفاخرالدوله است که از طهران به برادرزاده خودش که در تبریز بود نوشته (ذیلا درج خواهد شد) هر کس را اندک حس و مختصر دپانته باشد از مفاد کاغذ دریافت خواهد کرد که این نمائنده دولت در اذربایجان که مامور حفظ حقوق بود ناچهارپایه از غیرت ملی بی غیره و ناچار اندازه فاقد شرایط و لوازم ماموریت بوده است

جائے شکفت نباید بشود بعلت آنکه و قبیله پست و کوفت و بی علمت دارک مقام ریاست کارگزاران اذربایجان که اهمیتش معلوم است بشود و شش سال تمام حقوق نبضت داخله را با جانب بی فروش و احتکاز از سوال نکند و مواخذ نباشد نتیجه جز این نخواهد بود

هر کس علی الخصوص مستخدمین و مأمورین وزارت خارجه میدانند که مفاخرالدوله در بد و ماموریت اذربایجان دارک چه مکنه بود و حالاً از خیانت کاره و حقوق فروشی چه ثروتی بهم کشته است چه در سر بندم فقط املاک که بتصرف عماد^{فها} رفته قیمتش بیک کروڑ تومان بالغ میشود که همه بهر شهر خورشید بدستار و همین به ناموس مصدق شده است هر کس ناخج خوانده میدانند که حسن صباح قلعه الموت را فتح نکرد مگر بدست او و بر اینکه زمین به قطر و اندازه پوست کاره در حواله آن قلعه خریدار بود مفاخرالدوله کرد و در اراضی و دهات را با اتباع خارجه در مقابل ثمن بخش فروخت و تصور نکرد که

در مقابل آن برای دولت و ملت خریدار است

مهر علیخان ظهیرماہون که یک از محقر و تبعه ادب و در طهران ناوین و معروف (نیر فچی) در شبهاست عتیرت
در سلک اهل طرب و ساقی بریم بنما بر پرت بر تبریز که آمد در زبیر سائیر خاناتها که مفاخر الدوله کارش بالاکوت با
فریکه ها مشهور گشت سخن نگفت مگر از پولشک و دم تر در مکر از حقوق متعلق بوطن بالآخره روزیکه بطهران بر پرت
از حاصل خجانت و تقایش بیست هزار تومان برات بخاری همراه داشت حالا بیستم مفاخر الدوله در مقابل
ان همه خجانتها از طرف اولیای دولت چه مکافاتی دید و از جانب دارالتورایه علی الخصوص و کلای اذربایجان که
مسئوق باعمال او بودند در باره او چه تحقیقی بجا آمد تا برای اخلاف و امثال او و سایر مامورین دوا بر عبرت بوده و
توانند دیگر مصدر این قسم خجانت نسبت بدولت و ملت بشوند

صورت مکاتب مفاخر الدوله بمسئلت الوزاره

شنبه هفتم شهر شوال ۱۳۲۳

جناب پورچشم مکرمًا روز چهارشنبه چهارم بیلامت وارد و خدمت حضرت صدایت و وزارت خارجه شرفیاب
اظهار تققد فرموده اند بواسطه کالت شاه هنوز موقع شرفیاب خاکپای مبارک نشد و فعلا مشغول دید و باز دیدیم
سفر را نزدیک نموده و همگی هم و خصوصیت کامل نموده و هنوز تکلیف معین نیست مگر مانده شما مینویسیم که (میسوز)
انچه لازم رسالت بوده از بنده و جناب اجل اقله ادیب السلطان نموده در موقع جناب جنرال قونول خاله نمایند و
ادیب السلطان هم بگویند اما بسیار بد اظهار بجای نکند تا موقع آن برسد مگر مانده بعضی از اجزاء وزارت خارجه ظاهر
نشان کرده است که فلا تکرار ادیب السلطان هدیه شده کار راه شوسه را مغشوش نفاق بین اجزاء قونول خانه انداخته
هر چه نشان میخواهد میکنند و خوابد کل هر دو برده اند اما شمارا بخند اطوره بکنید که اقامه ادیب السلطان عنوانه فرمایند
مخصوصا بمشار السلطنه چیزها گفته خدمت جناب جنرال قونول برسید و عرض سلام برسانید و مگر مانده عرض کنید که محمد
با اهدا ناکبات باز چنانکه مسبق مستید بدون اطلاع سفارت ان کاغذ خات و اعینا بوزارت خارجه و صدایت
نموده و مرد و رانیت بر بنده ظنیر و لطف کرده و مقصد خود را برونمایه ها مسموموزیکه بعلا درده و بعد از کمال حسن
و مساعدت در کارها خدکات چندین ساله ام تطبیع شد اباد در روستی در امید است که نتیجه ان همه زخات و خدکات این
باشد بنده منظر بودم و چشم داشت داشتم که کارها بزرگ باه و وقت سفارت بر بنده رجوع شود نتیجه بر عکس بچشید اگر چه
سفارت در زمان ملاقات خلی قول همراه بر بنده دادند که مسبوه نوری که از سفارت بر باره خاسدین از وزارت
خارجه میخواهند گشت و مشغول سبایط را از کردن هستند مخصوصا خواهش کنید که اگر مقتضی بدانند را بوزارت
خوب و سفارشات لازم از بنده سفارت بفرستند که در حق و اینها که داشته باشند و اگر فرضا بنده را میخواهند با ذریع
نفرستند تا ماموریت بعد دیگر بر بنده ندهند ماموریت دیگر بر بنده قبول نکند اگر بنده را اولیای دولت در بعضی این
خدکات از کار خلع کنند دیگر کدام مامور جرت اند که مساعدت در کارها آنها خواهد کرد بحاله که بواسطه ناخوشی شاه
تکلیف هیچ کاره معلوم نیست اگر چه طبیعتا مان بگویند بفرزند و تفاوت ابدان نموده و مرضی را بطور با است خداوند
شفا عتق نماید بیچاره و در نشان السلطنه بفرستید و با خیال با آن که در وقت حضرت و امجد است را بخند نیشاند و پاره

عنوانات کرده اند که مانع ترقی و رفاهت ملت هستند بنده جا " هذا با افتابك که چیزی مفهمنده حسن نيات و مقدمه در
 خاطر نشان کرده و آن با جاد و ظاهر بنم غفلت ندارم در بار کوبه ورشت چاره مغرب انشا داده بودند از حکومت
 رشت هم نسبت بدات اقدس و الا اخلاصه مشاهده نکردم آنچه جان فشان از قوه بنده بفعل مباد نموده و خواهم نمود
 انشاء الله تعالى شر و حاق توسط بنان حقیقه مطالب را بعرض خواهم رساند همه هم قطاران را باید از طرف بنده دلگرم
 نگاهدارید و عیاشات نماید تا خبر من بشمارسد عجز آنکه تکلیفی بر علیه احد معین نیست خداوند خودش کارها اصلاح نماید
 سهام الدوله خیلی نمک بجای کرده و میکند و در حق من خیلی سفایت دارد و هزار دشمن از من میکنند قصد هلاک
 اگر مرحمت حضرت باشد از دیگران ندارم باک عجز شما بار رئیس راه و رئیس بانک و نظریه کون و غیره و غیره حتی
 با باشه بندر خیلی از طرف من و خودشان اظهار خصوصیت کنید تا برینم چه میشود در سفارت عثمانی خیلی از ایشان
 بجهت کردم بحضرت اقام احتشام السلطنه خیلی عرض بند که رسانید و خدمت ایشان را از فرائض شمارید به رئیس که
 سلام مخصوص برسانید و از چگونگی و گذارشات تبریز به خرم نکند آید تلکراف جناب مجاهد جنلی موع رسید نمیدان
 جواب تلکراف حضرت و بعهد و تلکراف مجاهد را وزارت خارجه چه داده البته صورت سوال جواب را نوشته بفرستید

و عجز آنکه محض اطلاع آنگذرد کان عرض مینماید ^{مطالع}
 املا که بدستیاره این مجتهد خیانت تحقیقا بدو
 نقراتباع روس و اذکار شده از فرار زبل است

املا که که مجتهدان تصرف کرده
 باغات قاضی جهان قرینه نوشهروان قرینه زال قرینه ترکبور
 ۳ قطعه بانضم پنجم من جمال کرکر قرینه نورخی ^{ابضا} روقفه بانضم پنجم ^{ابضا}
 قرینه مشایخ قرینه کل سرخ قرینه الوندی ^{ابضا} من جمال خانروز قرینه بخشایش ^{ابضا} در شهر تبریز
 قرینه شجاع بانضمام کشتی و اراضی متصل بسرد روس از فرار چهار طغراقباله مصدق و بطور قطعی متجاوز از سوی

دو هزار تومان بتفاریق از مجتهدان پول گرفته و قبالتجات املاک را تصدیق کرده است

املا که که نقیبان و تصرف کرده قرینه سپیس نک قرینه تلخاب قرینه کلکده فی
 من جمال ساوجبلاغ ^{ابضا} و بمهرشیر خورشید رسیده است ^{ابضا}

پل اچی بیست یک هزار پانصد تومان از رئیس راه شوسه گرفته اند شازده هزار تومان دولت برده و پنج هزار
 پانصد تومان مفایخ الدوله بلع فرموده

قبالتجات راه شوسه ۷۰۰ پارچه که بمهرشیر خورشید رسیده و چهار هزار تومان از رئیس راه شوسه گرفته و
 نومان در هزار دینار هم از مالکین باسم وزارت خارجه از قیمت اراضی بدستیاره اسباب سلطان کسر کرده است

این بندہ کہ یکے از کسبہ و مسود این اور اقم حبت وطن بر اینم واداشت کہ خیانتھائے این نامرد و عنفون فروخته ابر
 ناشناس واکہ از صدیکے است بجز پر پناورم و خدایے من شاهد است کہ در مدت عمرم بک مرتبہ او داملافات کردم
 ولے چون دُرشت مسبوق باعمال او بودم در نبر پزیرنگران خالتر شدم و بقیہ من میدانم کہ املاک بدستپارے
 مساعدت او بدست اتباع روس افتاده و اگر برای تحقیق اعمال و خیانتھائے او ماموری بطور تفہیش از وزارت خاز
 بہ نبر پزیران وقت معلوم خواهد شد کہ قداملاک و مستقلات و اراضی و باغات بہ طبقہ روس در عہد او واکلا
 شدہ است

نمبره ۲۷ (تفنگدار ملی) تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۲۵

۸ فضل الله المجاهدین عن القاعدین درجه ۸

اسم معریه ابراهیم ولد حاجت علی محمد

شغل محمد حسن الحسینی محل اقامت محل

معرف عجت محمد فرعی بی بی میرا و ...

پس از شناسائی مقنس بمحض اظهار تعرفه را نشان بدهد

نمبره (تفنگدار ملی) تاریخ

۸ فضل الله المجاهدین عن القاعدین درجه ۸

اسم جولوهین ولد مستر زاردم

شغل مستر زاردم محل اقامت محل

معرف محمد زاردم

پس از شناسائی مقنس بمحض اظهار تعرفه را نشان بدهد

ایرین قریبا طراف از کربلا عتباتنا قاطبا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اصول که برای تکمیل قوانین اساسی و تنظیم وقت علیه ایران بر نظام اساسی که در تاریخ چهارم شهریور ۱۳۰۲ هجری قمری در طهران تصویب شد و در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در طهران تصویب شد و در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در طهران تصویب شد

در تقسیم مملکت ایران یا ایالات و ولایات

اول مملکت ایران منقسم است بایالات و ولایات مشروحه ذیل

آذربایجان	گیلان و طالق	مازندران	استرآباد	خراسان و سیستان
خمسه	کابل و کندهار	همدان	ملا و رودبار	کردستان
کویان افغان	قزوین	طهران	طبرستان	قزوین
عراق	کاشان	اصفهان	شاهرود و بابل	عربستان
کرستان	برجرد	فارس	بنادر	کردستان

در تقسیم ایالات و ولایات

سپس مملکت ایران بایالات و ولایات منقسم میگردد و در هر یک از این ایالات و ولایات یک نفر حاکم تعیین میگردد

حقوق مملکت ایران

حقوق اهل مملکت کلیه محفوظ است شونان در شایسته و متعین است

خواهد بود یعنی بر اینها از جهت حقوق و مقابل قانون یکسان هستند

معرض احد نمیشود و هر یک از اینها در برابر قانون و معین است

مواقع از کتاب و غیره که در این مملکت است در هر یک از این ایالات و ولایات

مقرر میگردد و در آن صورت نیز باید که مقتضای اینها باشد

بیش و چهار ساعت بمقتضای اینها اعلام شود

امتیاز افراد مردم بجان و مال و اموال و شرف و کرامت و غیره

هیچ مقصر بر این نمیتواند که بگوید که اینها را از حقوق مردم گرفته است

و بگوید که اینها را از حقوق مردم گرفته است

حکم و اجرائی هیچ مجازاتی نمیتواند که بگوید که اینها را از حقوق مردم گرفته است

منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است و هیچ مسکنی نمیتواند داخل شود

مجموعه قانون و طبقه و ترتیبی که قانون مقرر نموده

هیچ مملکتی از تصرف صاحب ملک نمیتواند بکشد و هر کس که بخواهد

مصالح خاصه باشد و آن نیز پس از تعیین نایب و قیامت عادلانه و قانونی

که مذهب در ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه است

در امور مردم و مروج از مذهب است

حدود مملکت ایران در اقلیت و ولایت و ولایات آن نیز مقرر میگردد

تاریخ مملکت ایران در هر یک از این ایالات و ولایات

مقرر میگردد و در آن صورت نیز باید که مقتضای اینها باشد

بیش و چهار ساعت بمقتضای اینها اعلام شود

امتیاز افراد مردم بجان و مال و اموال و شرف و کرامت و غیره

هیچ مقصر بر این نمیتواند که بگوید که اینها را از حقوق مردم گرفته است

و بگوید که اینها را از حقوق مردم گرفته است

حکم و اجرائی هیچ مجازاتی نمیتواند که بگوید که اینها را از حقوق مردم گرفته است

منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است و هیچ مسکنی نمیتواند داخل شود

مجموعه قانون و طبقه و ترتیبی که قانون مقرر نموده

هیچ مملکتی از تصرف صاحب ملک نمیتواند بکشد و هر کس که بخواهد

مصالح خاصه باشد و آن نیز پس از تعیین نایب و قیامت عادلانه و قانونی

تصویر ۲۷

مجلس شورای ملی در تهران در روز دوشنبه ۱۳۰۳

ابرقریاط و اوراق در عهد عباسی

اتباع خارجیه و توانا نند تبعیت برانرا نمایند قبول بقول بقای آنها و تبعیت
و عام آنها از تبعیت و موجب قانون است
تقریباً با موید در توان در تقصیرات واجبه بمشاعل آنها محتاج بمسئول
اجازه نیست مگر در حق منزه که رعایت قوانین مخصوصه مدوین است و باید بشود

در قواعد مملکت

قوام ممالک ناشی از مملکت است طریق استعمال آن قوام افانول سامعین است
قوام مملکت بسبب شعبه تجزیه میشود
اول قوه مقننه که ناشی میشود از اعلی مرتبه شاهنشاهی و مجلس شورای ملی
و مجلس سنا و هر یک از این سه منشأ حق انشای قانون را دارد و در مملکت استقرار
موقوف است بصورت مجلسین و توضیح بصورتها بود لکن وضع و تصویب
قوانین واجبه بدخل و خرج ممالک آن مختصاً بمجلس شورای ملی است
شرح و تفسیر قوانین از وظایف مخصوصه شورای ملی است

در مملکت قوه قضائیه که اعمال آن مخصوص است بحکم میدی و افتخارها
سپس قوه اجرائیه مخصوص احکامات است یعنی اجرائیه
بنام نامی اعلی مرتبه ها بود میشود بر ترقی که قانون معین میباشد
تقدیرات قوام ناشی از یکدیگر همیشه لازم الزامی است
مقتضی منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک توسط انجمنهای ایالتی
دولتی فیصله آید میشود بموجب اصول موضوعه و قوانین اساسی و برین ملاحظه آن که

حقوق اعضا و مجلس

و کلام مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ممالک کمال و در حفظ
از طرف طبقات مردم یا ایالات و بلوکات که آنها را انتخاب نموده اند
یکفره نمیتوانند در آن واحد عضویت هر دو مجلس را داشته باشند
چنانچه یکی از آنها در آن درونی موقوفاً مستعد امری بشود از عضویت
مجلس مفصل میشود و عضویت مجلسین نمیتواند عود نماید مگر آنکه برای قلم
و کمال است و در مملکت و ولایت است و کمال از طرف ممالک مجاری منتهی شود
هر یک از مجلسین حق عضویت و تقصیر در هر امری ندارند از هر دو مجلس
مذاکرات مجلس سنا در مذاکرات مجلس شورای ملی نتیجه است

حقوق سلطنت ایران

سلطنت مشروطه ایران بر شخصی اعلی مرتبه شاهنشاهی السلطان (محمد علی شاه)
قاجار - اذام الله سلطنته و اعتبار ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود
و لایحه عهد با اولاد ذکور پادشاه که از طرف مادر ایران و که هر طرفین باشد
بموجب همان عهد با ملوکات و موقوفین خواهد بود
در موقع رحلت پادشاه و لایحه عهد میتواند شخصاً امور سلطنت را مستعد
شود که سن او به یکصد سال بالغ باشد چنانچه با سن نرسیده باشد با تصویب
مجلس شورای ملی و مجلس سنا باید سلطنت برای او انتخاب خواهد شد تا
به یکصد سال که بالغ شود
در صورتیکه اولاد ذکور نباشد انتخاب لایحه عهد منوط برای پادشاه و حقوق
مجلس شورای ملی و مجلس سنا خواهد بود
کلیه سلطنت از طرف سلطنت نمیتواند جلوس کند مگر اینکه قبل از آن حکم صادر

مجلس شورای ملی در تهران در روز دوشنبه ۱۳۰۳
تقریباً با موید در توان در تقصیرات واجبه بمشاعل آنها محتاج بمسئول
اجازه نیست مگر در حق منزه که رعایت قوانین مخصوصه مدوین است و باید بشود
قوام ممالک ناشی از مملکت است طریق استعمال آن قوام افانول سامعین است
قوام مملکت بسبب شعبه تجزیه میشود
اول قوه مقننه که ناشی میشود از اعلی مرتبه شاهنشاهی و مجلس شورای ملی
و مجلس سنا و هر یک از این سه منشأ حق انشای قانون را دارد و در مملکت استقرار
موقوف است بصورت مجلسین و توضیح بصورتها بود لکن وضع و تصویب
قوانین واجبه بدخل و خرج ممالک آن مختصاً بمجلس شورای ملی است
شرح و تفسیر قوانین از وظایف مخصوصه شورای ملی است

در مملکت قوه قضائیه که اعمال آن مخصوص است بحکم میدی و افتخارها
سپس قوه اجرائیه مخصوص احکامات است یعنی اجرائیه
بنام نامی اعلی مرتبه ها بود میشود بر ترقی که قانون معین میباشد
تقدیرات قوام ناشی از یکدیگر همیشه لازم الزامی است
مقتضی منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک توسط انجمنهای ایالتی
دولتی فیصله آید میشود بموجب اصول موضوعه و قوانین اساسی و برین ملاحظه آن که

حقوق اعضا و مجلس
و کلام مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ممالک کمال و در حفظ
از طرف طبقات مردم یا ایالات و بلوکات که آنها را انتخاب نموده اند
یکفره نمیتوانند در آن واحد عضویت هر دو مجلس را داشته باشند
چنانچه یکی از آنها در آن درونی موقوفاً مستعد امری بشود از عضویت
مجلس مفصل میشود و عضویت مجلسین نمیتواند عود نماید مگر آنکه برای قلم
و کمال است و در مملکت و ولایت است و کمال از طرف ممالک مجاری منتهی شود
هر یک از مجلسین حق عضویت و تقصیر در هر امری ندارند از هر دو مجلس
مذاکرات مجلس سنا در مذاکرات مجلس شورای ملی نتیجه است

حقوق سلطنت ایران
سلطنت مشروطه ایران بر شخصی اعلی مرتبه شاهنشاهی السلطان (محمد علی شاه)
قاجار - اذام الله سلطنته و اعتبار ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود
و لایحه عهد با اولاد ذکور پادشاه که از طرف مادر ایران و که هر طرفین باشد
بموجب همان عهد با ملوکات و موقوفین خواهد بود
در موقع رحلت پادشاه و لایحه عهد میتواند شخصاً امور سلطنت را مستعد
شود که سن او به یکصد سال بالغ باشد چنانچه با سن نرسیده باشد با تصویب
مجلس شورای ملی و مجلس سنا باید سلطنت برای او انتخاب خواهد شد تا
به یکصد سال که بالغ شود
در صورتیکه اولاد ذکور نباشد انتخاب لایحه عهد منوط برای پادشاه و حقوق
مجلس شورای ملی و مجلس سنا خواهد بود
کلیه سلطنت از طرف سلطنت نمیتواند جلوس کند مگر اینکه قبل از آن حکم صادر

مجلس شورای ملی در تهران در روز دوشنبه ۱۳۰۳

در بیان طرز اجراء اعتبار سابقا

باید در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضاء مجلس شورای ملی و

مجلس سنا و هیئت وزراء و بقراردین باقی نماند

من بکلام الله مجید با آنچه در حد و خط مکتوب است قسم یاد میکنم که حقوق

مات و استقلال دولت و قانون اساسی مشروطیت را برانداختن و

ملکه ایران را سلب نمائیم

همینطور با تسلط که در این کشور است

اعراض شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد

در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد

و انعقاد مجلس سنا نیز از روز بعد از فوت پادشاه نباید تعویق یابد

هرگاه مثل انتخاب وکلای هر دو یکبار از مجلس سنا در زمان رحلت پادشاه منعقد

نشود باید در وقت رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند

و کلاً سابقاً حاضر و مجلس منعقد میشود

در وقت نیابت سلطنت تعیینی در وقت این اساسنامه خواهد شد

تخص سلطان میتواند در خصوص رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا

مستند امور مملکت بگریزند

وجود شخص پادشاه از مسئولیت برتری است و زاء در هر کس که ناموس است

کاتبه قوانین دستخط پادشاه و قیام اجراء میشود که با مضامین بر مشور

باشد مشور صحت آن در زمان دستخط همان وزیر است

عزل و نصب زاء بموجب فرمان هماهنگ پادشاه است

اعطاء درجات نظامی مطابق قانون مخصوص شخص پادشاه است

انتخاب مأمورین برین شصت و اشد و کوی از آنجا و خارج از حقوق پادشاه است

مکرر مواقی که قانون استثناء نمود باشد

در طایع ظاهر و باقی موقوف است بر اساس عادت قانون مخصوص

قرامین احکام برای اجراء قوانین از حقوق پادشاه است بدون آنکه

اجراء آن قوانین را تعویق یا توقف نمایند

قرمانه فرمائید مشور بری بحری یا شخص پادشاه است

اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است

عمده نامها شک و مظالم اصل هم نظر حکام اساسی سنا و آنها لازم باشد

بعد از رفع محذور همبندک منافع و امنیت مملکت اقتضا نمود با توضیح لازم

باید از طرف پادشاه مجلس شورای ملی سنا اظهار شود

فضول مخفیة عهدنامه مبطل فضول اشکار آن عهدنامه نخواهد بود

پادشاه میتواند مجلس شورای سنا را بطور فوق العاده امر با عقاقرنا

ضرب کند با مواضت قانون بنام پادشاه است

تخارج و مصارف دستگاه سلطنت باید قانوناً معین باشد

اختیار آواقدار سلطنت همان است که در قوانین مشروطیت خاصه تصریح شده

در هر یک از این موارد

هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه برای الاصل تجربه بران باشد

شاهزادگان طبقه اول یعنی پسر و برادر و هموی پادشاه عصر پیش از این

وزراء مسئول مجلس هستند در هر مورد که از مجلس اجتناب شوند

کردند نسبت با موریکه محول با آنهاست مگر در مشوریت خود را منظور

در هر

در هر

در هر

در هر

در هر

در هر

در هر یک از این موارد

ماده پنجمین قانون
ماده ششمین قانون
ماده هفتمین قانون

باب چهارم در باب طایفه بر چند عین سابقه

(م) هیچ قشون نظامی خارجیه نخواهد شد و دولت قبول نمیشود در قشون
ان لفظات مملکت نمیتواند ادا نمک و یا عبور کند مگر بموجب قانون
(ع) حضور و مناصب ستوانان این نظام اسلحه است و مگر مگر

مقررین حساب بجای آنکه بموجب قانون تعیین خواهد شد
در سایر محله که بمسوا نمیدهند و خدمت دولتی را بنمایند مگر آنکه آن
خدمت را بجای آنکه بر کرده که نیند و مخالف قانون نمیشد

کلیات

(۱) القان در کمیته اینان سبزی و سفید علامت سبز و خورشید
(۲) پای تخت دولت ایران طهران است
(۳) اتباع خارجه مقیمین هاک ایران جابنا و مالادرا مان هستند
مگر در موارد دیگر قانون استثنا میکند

در هر کسوی با لئی یک محکمه استنباط و تفریح است و در هر کسوی
مستند و صحیح است
حکام نظامی و طبیب و اوق و این محله در تمام مملکت برقرار خواهد
حکایت هرگاه که شان عدل در دادارک و مشاغل بموجب مقررات قانون
محکمه نمیزداج است

(ع) اساس مشروطیت جزء او کلا تقطیل بر کلا نیست
تجدید نظر در قواعد اساسی

دبواخانه عدلیه و محکمه ها و قشون و نظامنامه ها عمومی بالی و
مخوف خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند

در خصوص اجنجه های بالی

در تمام ممالک محروسه اجنجه های بالی و لائی و لائی بموجب نظامنامه مخصوص
میشود و قوانین اساسی آن اجنجه ها از این قرار است

- (۱) اعضاء اجنجه های بالی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند
نظامنامه اجنجه های بالی
- (۲) اجنجه های بالی اختیار نظارت نامردکاه و اصلاحات را جبر منافع
قائم و اندبار رعایت حلقه قوانین مقرر
- (۳) خرج و دخل بالی از هر قبیل توسط اجنجه های بالی طرح میشود

در خصوص طایفه

سواردی که در ادارات معارف تواند شد قانون تسخیر خواهد شد
میزان ایثارها را مجلس شورای ملی اکثریت آراء تصویب مقرر خواهد شد
در موارد مابقی هیچ تفاوت و امتیاز و تمایز فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد
شد تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است

غیر از مواردی که قانون صراحتا مستثنی صنادید هیچ عنوان از اهالی چیزی معاف
نمیشود مگر با اسم مالیات مملکت و بالی و لائی ملکی

هیچ وظیفه و تعامی غیر بنده دولت نخواهد شد مگر بموجب قانون
اعضاء و غیر محاسبات مجلس شورای ملی برای تکیه بر قانون مقرر میشود

در این مورد محاسبات ما مورعانه تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریح
حسابات محاسبات خزانده است و مخصوصا مواظب است که هیچ باب از
مخارج معینه و بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده تغییر و تبدیلی نپذیرد
و هر چه در محل خود ضرر رسد

و همچنین معاینه و تفکیک محاسبات مختلفه کاتبه از ادارات دولتی را نموده اورا
خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکت
با بدیا بنظام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید

قانون

- (۱) ترتیبی که قشون را قانون معائن مسمیاد نکالین و حقوق اهالی
نظامی برتر در مناصب بموجب قانون است

مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود



شماره

ابرقدر باطل و زکریا حیدر اعتبار ساقط است

مخبران و مرغی از ادا است

اتباع خاص و متواضعان ^{تبع} برانرا نمایند قبول بقای آنها بر تبعیت
و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون است

تقریر بمأمورین دیوانه در تعضیرات واجبه بمشاغل آنها محتاج بخصیص
اجازه نیست مگر در حق و ذمّه که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود

در قواعد مملکت

قوانین مملکت ناشی از مملکت است طریق استعمال آن قوانین قانون اساسی است
قوانین مملکت بسبب تجربه پیشو

اول قوه مقننه که ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی
و مجلس سنا و هر یک از این دو مجلس حق انشاء قوانین را دارد و در استقرا
موقوف است بصوب مجلسین و توشیح بصدور آنها بوزن لکن وضع و تصویب
قوانین واجبه بدخل و خرج ممالک آن مخصوصا مجلس شورای ملی است
شرح و تفسیر قوانین از وظایف مخصوصه شورای ملی است

دوم قوه قضائیه که اعلیٰ آن مخصوص است بحاکم و دیوانخانهها
سپهر قوه اجرائیه مخصوص اعلیحضرت همانا بونی است یعنی اجرائی حکام
بنام نامی اعلیحضرت همانا بونی میشود بر ترقی کمال قانون معین مینماید
تعمیر قوانین مملکت را یکدیگر همیشه لازم الزام است

همان و منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک و جوامع انجمنهای ایالتی
و لایق فصل داده میشود بموجب اصول موضوعه در قانون اساسی

در حقوق و اختیارات مجلس

و کرامت مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت است و در هر
از طرف طبقه مردم یا ایالات یا ولایات یا بلوکها یا نواحی انتخاب نموده اند
بکنفر و میتوانند در هر واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشند
چنانچه یکی از دو کاندیدان در ولایتی و دیگری در ولایتی متصدد امری بشود از عضویت
مجلس منضم میشود و عضویت مجلسین نمیتواند دعوت نماید مگر آنکه برای مدت
و کالات از شغل و اوقات و ولایتی استغفا کند از طرف ملت بجهت امتناع
هر یک از مجلسین حق تحقیق و تحقیق در هر امری است و در هر
مداکرات مجلس سنا در مدت انفضال مجلس شورای ملی در نتیجه است

در حقوق سلطنت ایران

سلطنت مشروطه ایران بر شخص اعلیحضرت شاهنشاهی السلطان (محمد شاه)
واجب است اذ الله سلطنت و اعیان ایشان نسلا بعد نسل بر او خواهد بود
و لاین عهد با ولاد زکوری پادشاه که از طرف مادر ابراز کرده هر طرفین باشد
بموجب همان مهر و لیمان ملوکانه مفوض خواهد بود
در موقع رحلت پادشاه و بعد از وفات او شخصاً امور سلطنت را مستعد
شود که سن او هیچکس سال بالغ نباشد چنانچه با سن نرسیده باشد با تصویب
مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب السلطنه برای او انتخاب خواهد شد تا
هیچکس سال بالغ نشود

در صورتیکه ولاد زکوری نباشد انتخاب بعهده منوط برای پادشاه و
مجلس شورای ملی و مجلس سنا خواهد بود
تعمیر سلطنت بر طبقه است و نمیتواند جلوس کند مگر آنکه قبل از احراز

مجلس سنا

مجلس شورای ملی

بسیار بدید

زمان

در ادراک

ابواب فی باطل و غیر معتبر سابقا

باید در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضاء مجلس شورای ملی و
مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید
من بکلام الله عظیمه بآنچه در خدا و خلق و خالق حق است قسم یاد میکنم که صرف
مآذ و استغلال دولت و قانون اساسی مشروطیت را نوا محفاظت و ممانعت
ملکه برانرا صیانت نمایم

همینطور نایب تسلطی که از طرف مردم یکدسته منصف میشود نمیتواند مستند
امری بشود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد

در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منقطع نخواهد شد
و انعقاد مجلس سنا در ایام ازده روز بعد از فوت پادشاه نباید بتکلیف باشد
هرگاه مدت انتخاب و کلاهی هر دو یکبار از مجلس هر دو زمان جهات پادشاه منصف
شد باید شد و کلاهی جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معتبر باشد باشند
و کلاهی سابق حاضر و مجلس منصف میشود

در وقت نایب سلطنت تغییر در قرائین اساسی داده نخواهد شد
شخص سلطان نمیتواند بدون رضایت و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا
مستحق امور مملکت بگری شود

وجود شخص پادشاه از مسئولیت بری است وزراء و در هر کوزه و مسئول هستند
کاتبه قوانین دستخط پادشاه و قرائین است که با مضاف بر مسئول در
باشد مسئول صحت آن در زمان دستخط همان در بر است
عزل و نصب وزراء بموجب فرمان پادشاه است
اعطاء در خارج نظام مطابق قانون مخصوص پادشاه است

ارجاع سایر خدمات موقوف است مگر آنکه قانون مخصوص
قلمبرق احکام برای اجراء قوانین از حقوق پادشاه است بدون آنکه
اجراء آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید
قرمان فرمانی مشون بری مجری باشد شخص پادشاه است
اعلان جنک و عقد صلح با پادشاه است

عهدنامه ها بشک طابق اصل هم نظر مناسبت اساسی استنار آنها لازم باشد
بعد از رفع محدودیتها منافع و امنیت مملکت اقتضا نمود با توضیح لازم
باید از طرف پادشاه مجلس شورای ملی سنا اظهار شود

فضول عقیقه عهدنامه و منطل فضول اشکار آن عهدنامه نخواهد بود
پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق العاده امر با انعقاد
صرفی که با مواضع قانون بنام پادشاه است

مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد
آخبار و اعداد سلطنتی همان است که در قوانین مشروطیت حاضر و تصریح شده

کسوف و زلزله

هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه برای الاصل و تبعاً بران باشد
شاهزادگان طبقه اول یعنی پسر و برادر و عمو پادشاه عصر نمیتوانند
وزراء مسئول مجلس هستند هر چه در آن مجلس حضرات شوند باید در خارج
کردند نسبت با امور بیکم محول با آنهاست حد و مسئولیت خود را منظور و ممانعت

فصل در بیان طرز اداره و اجتناب از اساطیر

وزراء علاوه بر اینکه بنیاد مسئولیتها را در اداره خود هستند
اتفاق نیز در مقابل مجلس مسئولیتها را بر عهده میگیرند
عده وزراء هشت نفر میباشند و در الاقتضاء با تصویب مجلس شورای ملی
که در زیاد میتوانند بشوند

لقب وزارت انضاری یکی موقوف است

وزراء نمیتوانند شفاهی یا کتبی یا در استقامت قرار داده سلب سوابق
مجلس شورای ملی و سناست و در داد و ستد مواخذه و محاکمه در آیین
مستوایت و وزراء را در سناست که در اجراء آنها میشود قانون معتبر خواهد بود
در صورتیکه در نشست از اعضای مجلس شورای ملی در ضابطه خود را از هیئت
وزراء باوقیری اظهار کرده اند آن هیئت با آن وزیر از مقام وزارت منعزلند

مراجع بوزراء

مجلس شورای ملی عنوان تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانه (مجلس) خواهد نمود
دیوانخانه نیز برین فضیلت مخصوصا اعضای مجلس محاکمات اثره خود حکمیت
نمود مگر وقتی که بموجب قانون اتهام و اقامه دعوی از دائره ادا و اکتفا
بشخص وزیر خارج و مراجع بدو وارد باشد که بر یکی مشغله اداره آن وزیر نداشته
باشد بلکه شخص از اجاع مجبور آن وزیر باشد

قلب کیست ما را میگوید حکمته نیز تشکیل یافته است هفتی منتخب از اعضای
مجلس متساوی نایب مناب محکمته میباشند

تصییر مسئولیت و جرائم و ذمه بر وزراء در موقتی که مورد اتهام مجلس شورای
شوند باید و بیجا اتهامات شخصی مدعیان که در نه منوط بقانون مخصوص خواهد

در بیان طرز اداره

مجلس شورای ملی در هر جلسه که در آن وزراء حاضرند
مجلس وزراء در هر جلسه که در آن وزراء حاضرند
همچو محکمته ممکن نیست منعقد ذائقه در محکمته قانونی هیچ اسم رسم هیئت
فوق العاد در محلی که مخصوص محاکمات نیست نمیتوانند تشکیل محکمته نمایند

در مقام محاکم فضیلت دیوانخانه نیز در اثر خواهد بود آن هم در شهر ناچین
و این دیوانخانه نیز در هیچ حال نمیتواند رسیده نمیکند مگر در ملاقات
منازعات که در اجاع بوزراء باشد آنوقت از ابتدای مجلس رسیده میکند

انفاد محاکمات علی است مگر آنکه علی بودن آن مجلس نظم و عصمت باشد
این صورت لزوم اخفاء و محکمته اعلام میباشد

در ماده تقصیرات سیاسی و مطبوعات چنانچه مجرمانه بودن محاکمات صلاح
باشد باید با اتفاق از اجمع اعضای محاکمات بشود

هیچ محاکمه در جنه نمیشود و احکام باید علنا فراموش شود
در و ادعای تقصیرات سیاسی و مطبوعات (مجلس) در محاکمات حاضرند

رؤساء و اعضای محاکمته نیز که قانون معتبر میکنند منتخب بموجب فرمان
همانگونه منصوب میشوند

هیچ محاکمه که در اجاع بوزراء از شغل خود وقتاً یا دائماً محاکمته و محاکمه
تقصیرات مگر این که در اجاع بوزراء است

تبدیل ناموریت محاکمته ممکن نمیشود مگر بر ضابطه خود او
تصییر شخص منتهی عموم بر عهده پادشاه است

در هر جلسه که در آن وزراء حاضرند
مجلس وزراء در هر جلسه که در آن وزراء حاضرند
همچو محکمته ممکن نیست منعقد ذائقه در محکمته قانونی هیچ اسم رسم هیئت
فوق العاد در محلی که مخصوص محاکمات نیست نمیتوانند تشکیل محکمته نمایند

منازعه

دوره

دائرة قیاط واری جدید اعتباراً

مقررین انشاء محاکم بموجب قانون عین خواهد شد
 (۳) هیچ قشر نظامی خارج محله نیست و لیک قبول نمیشود و نقطه
 رؤسای محاکم نمیتوانند بول خدمت او نظمه بشلی را بنمایند مگر اینکه آن
 خدمت را تجا نابر عهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد
 (۴) حضور مناصب شئون اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب
 دستور سی ایالتی یک محکمه استثنایاً مقرر خواهد شد بر تکی که در قوانین
 عدلیه صریح است

کلیات

(۱) الوان رسمی پتای ایران سبز و سفید علامت شهر و خورشید است
 محاکم نظامی و نظارتی و امنی و غیره در تمام ممالک برقرار خواهد شد
 (۲) پای تخت دولت ایران طهران است
 (۳) اتباع خارجی مقیمین خاک ایران جانا و مالادرا امان هستند
 مگر در موارد بکه قانون استثناء میکند

محکمه نیز رایج است
 در تمام ممالک محروسه
 (۴) اساس مشروطیت جزء او کلاً تعطیل بردار نیست
 مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند
 در خصوص اینجمنهای ایالتی

تجدید نظر در قوانین اساسی

در خصوص اینجمنهای ایالتی

در تمام ممالک محروسه اینجمنهای ایالتی و ولایتی بوجود نظامنامه مخصوص
 میشود و قوانین اساسی آن اینجمنها از این مزار است
 (۱) اعضاء اینجمنهای ایالتی بلا واسطه از طرف اعمالی انتخاب میشوند نظام
 نظامنامه اینجمنهای ایالتی
 (۲) اینجمنهای ایالتی اختیار ندارند تا مگر در اصلاحات را جبهه منافع
 طاقت دارند تا در نهایت حلقه قوانین مقرر
 (۳) خرج و دخل ابالاردان هر قبیل بتوسط اینجمنهای ایالتی طبع نمیشود

در خصوص اینجمنهای ایالتی

عموم آقایان و برادران وطنی میدانند که اداره بانیه برای مرشدهای لازم است و در امر روزی و نان و گوشت و سرخ اجناس گفتگو نمود و بتفصیح و تنظیم طرف و شوابع بردارد و در رسیدگی به منتهای مجاری آبها و کویها و بر انداختن خرابیهای کثیف مواظبت و اقدام نماید و کلیه تمام کارهای شهری را جمع به اداره بانیه است و مالزی که نکته خبر نداریم که همه این بلاهای مبره مثل بیا و غره که بر ما سر دم وارد میشود بواسطه عنونت خرابیها و مسابرها و نا تمیزی اهالی است بنا برین موافق نظامنامه مجلس مقرب شورای ملی که بصحه اعلیٰ حضرت هدایتی موشح شد در تهیه تشکیل یک مجلس بانیه هستند و عموم سردما بیکه دارای شرایط ذیل باشند از اهالی طهران حق انتخاب نمودن بکنفر و کابل بکثرت از این مجلس دارند ﴿اولاً﴾ ذابیت بر آیه بانیه کمال پست و یکسال اقلان مالکادان مالکات باشد تا تمام مستغنی باراضی که در حد و شهر طهران اقلان در آن نومان اوزن داشته باشد ادارات خبریه و علمیه در صورتیکه صاحب چنین مستقل یا زمینی در شهر باشند حق فرستادن بکنفر و کابل برای شرکت در انتخابات دارند همینطور شرکها و اشخاصیکه تجارت خانه و حجره معینی داشته باشند حق دارند ولو اینکه صاحب خانه یا مستقل یا ارضی بطوریکه ذکر شده نباشند اگر خانه یا مستقل یا زمینی ما بین چند نفر مشترک باشد بکنفر از شرکها میتوان آمد و موافق قرار داد سایر شرکا در انتخابات حاضر شده و کابل معین کند اشخاص ذیل حق انتخاب ندارند ﴿اولاً﴾ اشخاصیکه بواسطه جنحه و جنایت مجازات قانونی دیده اند ﴿ثانیاً﴾ اشخاصیکه معروف بارتکاب قتل و سرقت باشند ﴿ثالثاً﴾ تورشکسته بتقصیر ﴿رابعاً﴾ اشخاصیکه از بابت عوارض بانیه بقالی دارند و پیش از نصف عوارض سالانه پرداخته اند خامساً طایفه نموان ﴿سادساً﴾ اشخاصیکه خارج از رشدهند

اشخاص ذیل نیز از شرکات در انتخابات بشرط ممنوعند ﴿اولاً﴾ حکام و معاونین آنها در محل حکومت ﴿ثانیاً﴾ عمال نظمییه شهر ﴿ثالثاً﴾ مامورین نظامی بری و بحری داخل در نظام هر کسی دارای شرایط انتخابات نباشند و به تعاقب ترفه بگیرند و بعد از آنکه مکشوف شده مجازات خواهند دید کارهای مجلس بانیه را جمع بخود اهالی شهر نشین است و نفع آن متعلق بمعوم اهالی و هر گاه مردم شهر کو نامی کنند و با داشتن شرایط تعرفه ذکر شده و کابل معین نمایند خود قصور ورزیده اند و کسی تقصیر ندارد و مجلس دادن تعرفه در وقت محل ذیل

مجلسه و ان	مجلسه سنکلیج جنب نکهه حاجی رجبعلی	مجلسه شهر نو
مسجد سراج الملک	مجلسه جنب . . . صحنه الدوله	باغ اعماق الاسلام
مجلسه بازار	مجلسه چال میدان	مجلسه دلاچن
مجلسه عباس آباد	مسجد مرحوم فرخ خان امین الدوله	مسجد مرحوم صاحب دیوان

مجلس تعرفه دادن به تجار و کسب در قهوه خانه حاجی سفر علی و محل قره

مراکز محلات

در محلات مختلفه شهر هر روز از سر دسته ناظر و ازشه به روبرو تقرب منقذ است هر کس خود را دارای شرایط میداند باید در محل تعرفه دادن محله خود حاضر شده تعرفه بگیرد و روز پانزدهم جمادی الثانی در محل های مزبوره آمده هر آدمی را میخواهند بوکالت خویش با کثرت انتخاب نمایند و اگر کسی نیامده و از برای این حق خود انقضاض کند دیگر بعد از روز پانزدهم نمیتواند هیچگونه اعتراض نماید و حق او ساقط است

مجلس بانیه طهران که منعقد خواهد شد هر چه قرار دهد و هر کسی سادر نماید بتعام مردم چه در انتخاب حاضر شده باشند یا نشده باشند ملحق خواهد گرفت و کسی را که وکیل میباشد علاوه داشتن شرایطی که در انتخاب کنندگان ذکر شد باید سواد فارسی داشته و سنش کمتر از پست و پنج و در خدمت دولتی نباشد و هر آینه شخصی به قتل انتخاب شده مجازات شده و عوض او تجدیداً انتخاب خواهد شد

گفتند بدانند که ملت نجیب قدیم ایران پسند از این که
قرنها دچار استبداد بود در این وقت که میخواهند
بنای سعادت و استقلال خود را بر بنیان خلال بپذیر
بگذارند بواسطه آن مساعدهای تمام اساس مشروطیت
گرفتار چه مشکلات شده و نچه محذورات مبتلا گشته با
وجود این تا کمال هجرت و احداث خود را بر اهل عالم
ظاهر کند همه را تحمل نموده و برد باری کرده و
از مخالف های بی در پی شاه با قانون اساسی و نقض
عهد ها که از شاه بروز کرده صرف نظر نموده و راه
صالح و سلامت را پی برده است *

چنانکه در اواخر ماه ربیع الاول برای زیادی روابط
اتحاد حقیقی عموم نجیبهای ملی یک زبان بواسطه عریضه
مخبروس از مجلس مقدس در خواست کردند که چون
بی اطمینانی ملت از شاه و بد کفای شاه از مات منافی
مقاصد عالی دولت و مات است بهر وسیله که ممکن باشد
مجلس مقدس، موجبات جلب قلب شاه را بجهانب ملت
فراهم بیاورد که اتفاق و اتحاد حقیقی ما بین شاه و
ملت بوده باشد مجلس مقدس هم که این مسلك را
از اول پیشه خود داشت این در خواست ملت را
وسيله اقدامات کامله قرار داده در مقام انجام موجبات
حصول این مقصود بواسطه های صحیح بر آمد و دقیقه
در این مقام فرو گذار نکرد ملت هم با کمال امیدواری
اقدامات مجلس مقدس را در راه صالح واقعی با شاه
استقبال نمود کوبندگان و نویسندگان هم هر چه توانستند
در این راه و وصول این مقصود گفتند و نوشتند

فقط چیزی که سبب بود اقدامات مجلس و ملت
همه بی اثر می ماند خرابی در بار بینی وجود چند نفر
اشخاص فاسد مفرض بود که مفرض مندی خود و بالقا
های خارج نمیکند از بد ملت باین مقصد عالی نائل گردد
حوش بختانه جمعی از رجال بزرگ و شاهزادگان محترم و
برادران معظم بحقیقت این مطلب بی بردند و صفای
بیت ملت را در صلاح جوئی واقعی دانستند و موانع
را در اجرای این مقصود شناختند و تصدیق حقانیت
ملت را کردند و بر خود لازم دیدند که محض خدمت
بدولت و ملت و بقای استقلال سلطنت قدم همت بمیان
بگذارند و خارهای مملکت بر باد ده که در دربار روئیده
بفوت اخلاق خود از جا بر آرند و راه اتصال حقیقی
ملت را با پادشاه خود از هر خس و خار يك نباشد
از این جهت در خانه جناب آقای عضدالملک که اول مرد
و محترم ترین رجال دولت ایران و مقبول الکلمه مپان
دولت و ملت و رئیس طایفه جلاله قاجاریه است پناه
بردند و بتوسط آن شخص بزرگ عرض حال خود را

شاه کرده و عریض آنها صورت قبول یافت و حکم
خرام و تبعید چند نفر فاسد از دربار صادر
گشت و نزدیک بود که بقصد عالی سلاح جوین بزودی
انجام یابد و روز سعادت و خوشبختی ملک و ملت برسد
ولی هزار افسوس صکه محرکین خارج بدستبازی همان
مردودین از دربار ذوق را بر زداند و شاه را بنقض
این عهدو پیمانقت این امر باز داشتند و در اول قدم برای
اجرای مقاصد فاسده خود شاه را از مرکز سلطنت بيك
حرکت نا بهنگا بترتیب بسی ناپسند که موجب از جا
خاطر ملت بود بیاف شاه حرکت دادند و قوای نظامی
را اطراف شاه جمع کردند و باین وسیله اولاً مخفیانه و
بعد آشکارا و علنی بدربار باز یافتند و اسباب زیادی نمرت
قلب ملت را فراهم آوردند آقای عضد الملک که اعتبار و
شرف قول و فعل خود را در معرض زوال دید تجدید
صحبت باشاه نموده و حصول مقصود را در این قرار دادند
که امراء و شاهزادگان که در مقام خدمت و خیر خواهی
سلطنت حاضر شده بودند شرفیاب حضور کردند و مورد
مرحمت شوند و مردودین هم تبعید کردند و کار سلاح
و سلم انجام یابد روز بگشایه هفتم شهر جاری اقدام باین
کار شد و حضرات با اتفاق آقای عضد الملک شرفیاب شدند
و در هنگام مراجعت سه نفر از رؤسای آن هیئت محترم
را بمادت دوره استبداد برخلاف قانون دستگیر و توقیف
نمودند و بمجلس مقدس و هیئت کابینه وزراء اخطار
کردند که این سه نفر مفسد بودند گرفتار شدند و ما خود
حافظ اساس مشروطیت هستیم در صورتیکه در ظرف
دوسه روز چندین مخالفت بقانون اساسی کردند تصرفات
بسیار در امر نظام بی اطلاع وزیر جنگ تغییر و تبدیل
در امر تلگرافخانه برخلاف قانون تصرفات در حکومت
و تقطیع طهران بی اطلاع وزیر مسئول تهدیدات ملت بقتل
و شارت برخلاف قانون توقیف بزرگان مملکت بی نبوت
تقصیر آنها برخلاف قانون احضارات نظامی بی اطلاع
وزیر جنگ قطع مخابرات تلگرافانی از بعضی نقاط برخلاف
قانون نقض عهدهای سابقه برخلاف قانون بلوغ این
ملت نجیب هنوز رشته اتصال خود را قطع نکرده و تا
این اندازه که بر تمام عالم و علمبان حقانیت و بی غرضی
خود را ثابت کند برد باری خواهد کرد ولی البته عقلای
عالم اجازه نمیدهند که اگر این اقدامات ناسایسته منجر
بنقض و خلی در اساس استقلال مملکت یاترزی در ارکان
مشروطیت حاصل کردد باز این ملت در مقام حفظ
استقلال خود اقدامات کامله نکنند و بگذارند حق از حقوق
مشروع خود بایمال گردد و البته بوظیفه خود ناچار در
این هنگام رفتار خواهند کرد

عکس دستخط مطاع لازم الاتباع حضرات حجج اسلام و آیات الله فی الانام و
 پیشوایان فرقه ناجیه اثنی عشریه و مفتیان طایفه حقه جعفریه که بر حسب توفیق
 منیع حضرت حجة الله امام عصر عجل الله فرجه اطاعتشان بر تمام شیعیان فرض
 و متحتم است امینی آقای حاج میرزا حسین نجل مرحوم حاج میرزا خلیل طهرانی
 و آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقای آخوند ملا عبدالله مازندرانی
 مع الله المسلمین بطول بقائهم

بسم الله الرحمن الرحيم

بر عموم افراد ملت خاصه عتبار و ایالات و گنجانان حسد و دشمنی ملک اسلامیته ایران اعلام شود
 که در پیش دوره ضعف و ناتوانی ممالک و دول اسلامیته باین اندازه که فلا شهود بگیتی است بوده چنانچه
 قوه و قدرت و قهر و غلبه اجانب باین قرب جوار و نجات بود نشان در نقطه از نقاط مملکت اسلام باین
 وسیع زمان کسی با ندیده - و معلوم است اگر حال بدین نوال مانند نخواسته حال (اندلس) در وطن
 مقدس اسلام خواهد ظاهر شد - پس قبل الوقت با فرضی در دست است بر شمارد ساری عتبار و ایالات و پیمانان حدود
 که نمیرد روح مملکت و قوه قهریه دولت شمارد شرعاً و عقلاً لازم است که اختلاف بنامین را با اتفاق کلمه جامعه اسلامیته
 بدل کنید و دست بدست یکدیگر داده در خدمات و دفاع با اجانب از ارض مقدس اسلام بگوئید و تعلیم و تقیم
 قوانین حرب بطرح جدید و بنصه ذمه خود دارید و قانون نظام را از مجلس شورای ملی بشید و بکار بر آید و
 در فرستادن و کلای خود بجهت شورای ملی بطالت نکنید و انقاد او امر و احکام و در فرستادن و کلای خود بجهت
 از مجلس شورای ملی را که وجودش موجب استحکام امر سلطنت و دوام پادشاهی است و در فرستادن و کلای خود بجهت
 خود و مخالف آزاد حکم معاند و محاد با حضرت ولی عصر عجل الله فرجه دانسته بفرجه بجوی مگر بفرجه
 مملکت و ملت و دولت اسلام از تحت رقیب عادیه دین مستخلص شود و الله بصیرت ربه اعلم و مستطیع
 الاجاب یفعلون فیما یشاؤون و یکجگون بینا ماردون و الله اعلم و الله اعلم و الله اعلم و الله اعلم



الدعوه المرحوم مع
 در عصر بر صحن



صورت ۷۰

عكس دستخط مطاع لازم الاتباع حضرات حجج اسلام وآيات الله في الانام وپيشوايان فرقة ناجيه اني
 عشره و مفتيان طائفة حقه جعفريه كه بر حسب توقيع مانع حضرت حجة الله امام عصر عجل الله فرجه
 اطاعتشان بر تمام شيعيان فرض و متحتم است اعني حاج ميرزا حسين نجل مرحوم حاج ميرزا خليل طهراني
 و آقاي آخوند ملا محمد كاظم خراساني و آقاي ملا عبدالله مازندراني متع الله المسلمين بطول بقائهم

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 اجمعين

از معلوم است كه حفظ ختم مسموم و پسا نيك ناك اسلامي تحريف عامه مردم است در بر فردی از افراد مسلمين واجب است كه بحسب قوه حسنه و تقويم
 تحصيل مقدمات آن بر آید و در اقدام طوادم آن كوتاهي كند و چون كه اعظم مقدمات آن تقويم و تعلم آداب عبرتیه است كه تقضای هر يك از آنها
 پس بر عموم جوانان مسلمين و باطن اسلاميه واجب است كه در مشق نظامی و تعلم قواعد جبریه جديده كه معمول اين زمان است بهنج گويست و به
 نمايند و بحال اقدام و اهتمام در اين باب داشته باشد باقی بر این هم در این باب سوالي مشع بود و همین ضمن جواب داده شد و در آخر
 حاج شاه و صورت عكس نیز اجماع مشق نظامی است كه تا زمانه نمرود معلوم شد كه عربن اسلامی عامه مسلمين را در این باب تهيج كامل نموده پس در صورت
 اجتناب دارد كه نزدی این مطلب در تحت قانون کلی قرار داده و ملت تقاضا كند كه در مشق آن رفتار نماید تا كه قوه متفنه و عضای جبریه و تقویس و تقویس
 الله زود را

سهم انوار
 انچه با سعه الكرامت است بر انوار نور فرموده
 مطابقت را در كتاب در مقام انوار انچه
 بر قیام بر طاعت این امر كه معروف به عین است
 در كمال هدایت و سابقا گفته رطبت این فرق
 و زهد بر این در هم كنجش مولى ندارد و در حد
 الله زود را

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين
 اجمعين

خداي اسلامي ان ارادة ظلاله عرضة
 بر افروز مبارك النبوة پس پند نخواستند كه حفظ نظام مملكت در دفع فساد مفسد

و سد شعور و حفظ حد از تعداد اعانك و در كنف منوط است بوجوه فاعل استعدا حربه كه در نماز مملكت بحسب
 از نقطه است از تیر و مجرته محفوظ بود باشد و هر چه با بر فوج حكمران و اسلحه منبغز شوق مصاح لانزله مملكت محفوظ و انضا
 و فساد و خواهد بود و معلوم است كه استحكام استحكام این فوج موفوفست بوجوه نقد و بیدار هر كس
 پذیر خواهد شد چنانچه شاعر عهد گفته بز منشا لشكر ار اسنن بلسكر سبی كینه ها خوسنن و مخصلا بر جوق نقد
 از عمو غیبه بطور رضا و غیبه با بر شوق كه نماز سکنه مملكت نماز امور سپه است ملكه نا طوب بكد بكد با بشند و انزل و انزل
 مصاب ملكه مستحضر شوق و در نيك بد خویش را بشريك بد اند چنانچه در حد مالك معومر عالم معمول است لانزله مطلب این
 شوق كه جوق نقد لانزله را بموجب فغانه معتمد مساوی بر رضا و غیبه تسليم كار گذاران و لك این جانب مملكت هم فقا
 اجزا و انفاخ امور ند خواهند نمود و هر كس كه مقام طغان و سر كشی از منابع ان فوانه معتمد لنگه بر او بر شوق فوج
 حربه ان را بشكستند بعد ذلك المراتب معروضه بیدار در ملكه خالته با بواسطه اسبندت و جوق خوی سابقا اهل این
 و هر چه و جوق ان از ان اید مسامحه و زراء و امراء و فوج مفسد و اغشاشا سر حد و فوج و ان جانب و اسلحه آنها
 اطراف جوانب مملكت ان تمام مراتب سطوره و لوازم معروضه و كشتن اگر با بر طویر نماید عن فریب كماله منفق
 اجانب خواهد شد و چون كدر این مطلب خود ملت هم این امر واضح و ظاهر كدر بد از این جهت در حال رضا و غیبه
 انهادن لوازم جانی تباری حفظ مملكت اسلامي از نفوذ و تسلط اجانب حاضرند و نهایت مساعد در همه امور خیریه
 بود و عسكوشدن دارند خاصه در صورتیکه حكم الهی را برو جوق ان بدانند كه هزار مرتبه بجان دل حاضر خوی
 اسندماندك انچه مقتضای تكلیف شرعی عموم ملت است صریحا بفرمایند تا این بندگ با انها ابلاغ نموده از جان و
 نمانند سربازان و طلبت ابوالسای

تصویر ۱۱

از اسماها
زاده
سردار ارفع
خان وقفه الله

بسم الله الرحمن الرحيم
اما بعد حمد الله والاشتماء بحوله وقوته
وبهد السلام عليكم سرورهم هموم اكابرهم

و باسلام و اراد و در باید حوریه بیت و حوریه
اهل دن را کسی که مسلم است لازم بشمارد
فرمود استغناء مسایمهای پیاده که با مسلمین
میگویند هر مستخاف ایمنش آنچه میخواند
سزای بدیده کند خیزی و طارو آن نام پنهانی
و عذاب ابدی را برای خود می پندمد
اینجا که سرور پیروز اسلام و مسلمین
نرسد ما نباید و آدم که مسایم مشکوره تنها
در امانت برادران اسلامی خود باشد و خود
ناراحتیج است و مردم کسانیکه اطاعت
امر شما را بکنند چند و کاری در هیچ
در حفظ پیغمبر اسلام و دفع کفار داشته باشند
عقد لله خداوند عالم نعمت خود را بر شما
تمام کرده سال رجال را به عزت و شرف و تقوی
کجا را دارا هستند امروز اسلام چشم امید
بر غیرت و سردارگی شما دوخته امیدواریم
ببازرات شریعه از آفته نماند سریه فائده خود
بدهید سر را در نیاید است فرما آن عزیز امروز
سجود است بر عاقبت خود دنیا و آخرت دور
باری سرور الله است .

از سروره
زاده مطیبه زاده - حضرت امیر اقصم الشیخ
سپارک سباح وقفه الله
بسم الله الرحمن الرحيم وله الحمد ولا
حول ولا قوة الا بالله

بسم الله الرحمن الرحيم
از سروره
زاده مطیبه زاده - حضرت امیر اقصم الشیخ
سپارک سباح وقفه الله
بسم الله الرحمن الرحيم وله الحمد ولا
حول ولا قوة الا بالله

تلاک را که شما رسید و آیات موجب جزا
و بریتاق مخلوق شد و مومسلمین مکرمه فایده
و باغ و حفظ بیخه اسلام را تا شمس داریم
و فریفته رب عالمین را بر هر کس خیزد و کردیم
و خود مان هم آماده و مستخبریم و مستقر و امانت
در رسیدن تکلیف هستیم انشاء الله

بسم الله الرحمن الرحيم
الاول شیخ الشریعه الاسلامی

بسم و حاجی محمد اهل حاجی جعفر
الامام حاجی عبدالجبار الطیفیری حاجی حود
الامام حاجی فضل حاجی مهدی - السلام
میگردد و رحمته بانه و برگاه تلاکراف شما
رسیده و سعادت یافت گذورت و شورش
خاطر این جانبان شد چندی قبل به خود
علماء و وزراء و دروسای ایران نوشته بودیم
و آنها را ملقبت کرده بودیم که امروزه اعدای
و افاق با درایت علیه فتنای لازم و واجب
است و تازه که هم تانراقی بجای میجوید کرده
و زبان توهم که باید بدو راه علیه شایسته معانویه
نمایند و دشمنان عاقبت دشمنان بین اسلامینند
لذا واجب است که آنها را دفع نمود و با
مسلمین بک دست شده اینان و کفار را
ز توهم مسلمین طرد و تپید کرد و فاسدلا
م تلاکراف بیطرفان توهم مرسوم مسلمین
و با اعلام نمودیم که امروزه باید همه کافران
دفع نمود و حفظ بیخه اسلام را ایمنید و شما
هم به خود عشار و سزاهای بر ساینده که
با حکم میکنیم که حفظ بیخه اسلام لازم
و دفع کفار از اولاد اسلام اوجب واجبات
است و سزای آنها و در این امر حرام و موجب
ضنبت خدا و رسول است و انشاء الله نتیجه
خیر را املاچ دهمید .

سوق انشیدخ
اشیخ باقر حقیقه الله
جانب مستجاب الامام

بسم الله الرحمن الرحيم
از سروره
زاده مطیبه زاده - حضرت امیر اقصم الشیخ
سپارک سباح وقفه الله
بسم الله الرحمن الرحيم وله الحمد ولا
حول ولا قوة الا بالله

معلوم شما است که بعمر بویک تشر شرفی
است از تهور مسلمین و امروزه کفار و شرکین
بر این تشر هجوم کرده اند فعلا بر شیخ و سزای
مسلمین واجب است که در این تشر اجتناع
کرده و حجاب مسلمین را کرده و از شی
اسلام از تشر آنها نگاه داری نمایند و باید
که عرض این دشمن بجز حوریه که لا اله الا الله
نیست پس مختلف از این مدافعه حرام و خلاف
شریعت اسلام است الله الله فی کله از انشاء الله

الاولین
السید عبد الرزاق الطول
قرنه

اگر این عزیزین کیش ال سده و حورم ال
سدوقی و حور و راهالی اشرش
بهمه از نزد کترین تهور مسلمین است
و امروزه شریکین بر این تشر تحقیق کرده
و جمله اورد شده اند واجب فوری است بر همه
شما که در این تشر اجتناع کرده و از سال
و جان گذشته مدافعه نمایند و حورم عتذر را
از این حکم الهی خیر دار کنید
السید عبدالرزاق الطول
قرنه

جانب سید جمال محمد الطول و حورم مسلمین
وسادات و شراف و عام اهل ایمان .
بهمه تشر شرفی است از تهور مسلمین
و امروزه شریکین بر این تشر اسلامی هجوم
اوردند بر حورم مسلمین لازم و واجب
است که مدافعه بک و نفس نمایند و کفار
را طرد نمایند و مختلف و باورن حرام است
این حکم را به خود برآوردن مومن بر ساینده
خداوند بار و سزای شما است انشاء الله
و نتیجه کار را سریه اعلام نمایند .
السید عبدالرزاق الطول
عبار

محمد النول عبدالجبار الطیفیری اطالچ مودی
الامام حاجی حود الامام اطالچ مهدی
الهوراز اطالچ فضل اطالچ عباس
سلام عالمیکم و در حقه الله و بر کفایت تلاکراف

واجب است که با آیدان حورم و صرف حضرت
بجاءه چارید ایما بگذشت و ت جند نمایند
و ما هم پشت سر شما می آییم ان شاء الله
خادم الشریعه السید مهدی ال السید
جعفر الکاظمی

ابراهیم رضوی آل المرحوم شیخ عزیز
الاتق محمد مهدی

الاول ابراهیم السلسلی الکاظمی
از کاظمین
بسم الله الرحمن الرحيم
صری ایما و ولد از جنیش محمدینک
شیخ محمد بن خلیفه
فالح بن جهور
جعفر الکریم بن جهور
عصمان بن بصر
سلیمان اللشد
برادران عزیزین بیدان ابلاغ سلام و ادبیه
خلاصه بر شما امروز واجب است که
باردوی حضرت بجهت اگر کم قتلان حورم
صراق جای بیاید و است شوکته ملحق شده
از زده شتره المماره خود را بجهت و ایمان
بر ساینده ما هم انشاء الله بزودی به حورم
خادم الشریعه مهدی ال السید جعفر
الکاظمی

ابراهیم رضوی الالرحوم الشیخ عزیز
حضرات عزیزین حود الجبار و حسناک ال
سپارک و حورم امزوه و حورم عتذر جزای
بهمه از نزد کترین تشر اسلام است و امروز
بیتا واجب است کفار و مشرکین کشته بر همه
شما واجب است حاضر کشته اجتناع کرده
بهمایه مسلمین و از انشی اسلام برآید و ایما
تختلف و باورن در این فریقه شریعه جزای
نیست و بر شما واجب است هر کس خیزد و مدافعه
که در بیان شما است بر طرف کرده و امان
نمایند و همی بگذشت شده کفار را از البلاد
اسلام طرد کنید ان الله مع الذین اتقوا

و هم مستور و اگر مهاجره ما این اطراف

حور و زین و با ایمان قرآن مبین و حافظان
تور مسلمین هستد برایتد و کوشش نمایند
با یک این وسیله با صلاح شریایه ای چند ساله
موفق گردیده و متکبران از حفظ استقلال و سده
تور عالت اسلامی بتوند و اسلام هل من
اتبع الهدی .

الاحقر ابراهیم معنی الطیفیری الذین
الکاشانی دنی الله عنه

بسم الله الرحمن الرحيم
خدمت هموم اسراء عظام و سر داران
فخام و بخار کرام و سایر طبقات مسلمانان
سا کترین ایران و غیر هم و تقم الله انصروه
الذین نظر بقصرت خدا داد امروزه که
لازم شد تکلیف الهی را باصلاح نمایند
الیوم بر کافه مسلمانان لازم است ببنویسند
با کلامی حور و تقوی و انکلیس و روس از ایران
کو خیده و با دو تین عینین اسلامیین ختانی
و ابراز که حایمان حوزة دین و با ایمان قرآن
مبین و حافظان تور مسلمین هستند دست
اخذ و موافقت داده بجهت استیلا حقیقی
دین و دولت را عتویرت بدارند آن تشر و را
الله بصر کم و بیت اقدام انشاء الله تعالی
ایمان معنی الطیفیری الذین الکاشانی
بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
جاعت بختیاری کور و حور هستند و حاجت
فقی و حاجت کلهو جمعا بمانند که تکلیف
شرعی شما عاقبت سعده اسلام است الیوم
مسئله مقابله کفر است با اسلام انشاء الله تعالی
کمال اهتمام و تمام مسلمانی خود را در این
مقام بذول خود بجهت خود که لا اله الا الله
ببجوید بر حدود اسلام تجاوز نمایند البته
باید که الیوم جای بعضی مساجلات
نیست مقام حفظ اسلام است و حفظ عینات
مالیات است و السلام

خادم الشریعه حسن المهدی المودودی
بسم الله الرحمن الرحيم
از اینجا که خداوند سپارک و تقالی از

خوف و قبح نباشد که آنان احکام ناپسند و اظهار
شرایح اسلام و نشر و تبلیغ با نام جعفر میسر
نمایند (لایزال) من ملک من یتبعه یعنی بزرگی من می آید
و عجم این حکم انحراف دادند بگفتن و نوشتن
و فرستادن با طراف و آکناف که در مقابل این نام
که گفتار در حوض حسین اسلام رخنه نموده
اند و معیوم بر بلاد مسلمین کرده بشان
قتل رجال و تپ اموال آنها را دارند بر هر
شخصی قادر متکون واجب است بقدر
تکلیف از مال و رجا و سلاح رجا در دفاع
کفر مصایقه نکنند و خود را از ملات
دنیا و عقوبت آخرت خلاص نمایند و در
حفاظت یمه الاسلام و اعلام کلمه توحید و رسا
حضرت خیر الانام بقدر مقدور کوشش نمایند
و بلا حمله اختلاف مسلک و تنوع فایده
و حکومت را ننمایند و هست در حفظ همان کلمه
جاسه اسلامی بکنارند مثل الله تا ولهم
التوفیق والافاقه

الاحقر محمد علی انزوی النخجوری
الاقول مصطفی التیجانی الکانانی
الاحقر السید علی التبریزی
الاحقر شیخ الترمذی الاسلامی
الاقول جواد محول المرحوم صاحب
الجراس قدس سره
الاحقر مهدی الطرسانی

(تکرار حضرت مستطاب (به الله)
(ف الارضین اقای سید محمد کاظم طباطبائی)
(زدی مد ظله العالی بر اعلام صوم)
(مسلمین بر حرکت از نادر چندستان بچم)
قول از این تکرار شما رسیده اعلان
کردیم و خوب دفاع را بر مهاجرین به بلاد
اسلام اینک فرزندم سید محمد را فرستادم
جهه اعلان بر مسلمین و هو قضا و حاکم مادر
صدمه ترغیب سیدین صبیح بر سوانت و دنیا
مصرف این است و لقا الله و یا کم لایب
عن تنور ال دین و هر کم انصر انما جل
محمد کاظم الباقی این

السید عبدالرزاق
بسم الله الرحمن الرحیم
خدمت محوم برادران از اهل ایمان
و کافه مسلمانی و فقه الله لعمرة اللین بعد از
سلام محسوس صریحه مبارزه پذیرد است
بترین عوامی که بگانه داعی قلی و عسکر
باطن افراد مائه اسلامیست و هر فردی از
افراد مسلمانی بکلیت مجبور است که عرض
تعمیل سادات وارث و ذی نشانی سرکات
و احوال خود را بر طبق ان قرار داده و هیچ
و حق مختلف و تجاوز از ان نمایند ما طافه
توجه دین بین اسلام علی طبقه المسلمان است
که جامع بترین توان این اجنبی و کالی مهمترین
تواند سیاه و اقتصادیه است او هیبت به
یک ندای رسا تمام متدینین بخود را بجانب
اتحاد و اتفاق و تزکیه و شفاق دعوت کرده
و فرزند واجب الاذنان و اقصوا بحیل الله
چیس و لا تفرقوا فرجه فسه من مسلمانی
فرموده که تحت لوائی احمدی سلی الله علیه
واله جمع شده در اعلام کلمه اسلام و تقویت
اساس هانت ساهی رجاعد باشند و اسر زک
ناره حریب و جنگ محوس جان دول اجانب
مقتل گشته و چند یست که فورا دشمنان
اسلام را از ترض و تجاوز بر عالم اسلامی
باز داشته و وقت که جمیع مسلمانان از خواب
غفلت بیدار و از غیبه بیدار که حضور در این
چند سال اخیر از انهمه مداخلات فاسیانه
و تجاوزات جبارانه استقلال شکنانه اجانب
حاصل کرده اند عبرت گرفته منازعات
داخلی را که بانکت و دسایس انبار و خانه داده
بانک مخاسات و مجادلات - ف و شبهه را که
مردود مسلمان و در توحید و رسالت و سایر
امور اسلامی به بهم شریک هستند چندی
کنار گذارده و بدو حجب کریمه انما توتون
اندر دست بکنسکی و راهی هم - م داده
بهنات صیبت در مقام آید و هریت و از این
علتین اسلامیین عیان و ابرائی که حایان

شما رسیدیم هم معارف و عام مسلمین و از
ما و از جمیع علماء نجف برسانید که سدافه
کنار هر محریکه میزبانید واجب است
و به تازیک اطراف ما مستحمان مطلب را
نوشتم و ما خودمان هم مستخدمیم که بفریاد
رسی شما حاضر شوم بهر طوریکه
می توانم تمام و توفیق و امانت را بخوا دانسته
باشید و جد وجهه نمایند در مدافعه کنار
و از حضرت احدیت سئلت بنمایم که در آن
اسلامیه عیانها مظهر و معجز نماید بر
اعدادین .
علی جعفری زاده
سوق التیویخ شیخ انزجیدر
تکرار انبنا رسیده و ما محوم مسلمین را
اسی کردیم که بیخه اسلام را حفظ کرده
و مدافعه کنار را بچام ای شان اجرا نمایند
و شام بموم مسلمین و روز سادو جمیع عتار
برسانید که واجب است که جان و مال را
فدای اسلام کرده و تباران نمایند
محمد جواد حورالادی
مرکز نامریه از جانب علماء کانظلمین
بموم عتار متفک برادرین دینی لمرهم
الله تعالی
بر تمام شماها واجب است با اقتضای
عموس صفاق حضرت جابید اپنا حالت
شو که بگفت و تصد شوی و دین خود
تازد کتاب مقدس خدا را و اسلام را و دنیا
و اخرش تا را از کنار نگه واری
عید مبارک دارم قابل کنار و دشمنان ذلیل و ست
باشید الله الله که کداری نمایند خانه خدا و غیر
بیشتر را و ما هم من قریب بتمام لاسوق
خواهیم شد انشاء الله
الدهای خادم الترمذی السید مهدی آل
السید جعفر
الاحقر ابرام السلساسی الکانانی
الرحمی محمد مهدی
الرحمی رضی آل لرسوم الشیخ انزوی
حار سالم بن حسوزخون
پدر سلام مورض بیداریم امروز بر شما

از هر چه و معنی در تصور اند واجب شرعی
حدود و معنی در تصور اند واجب شرعی
و فریضه الهیه است که با نام جسد و اعظام
حفظ بلاد اسلام و کنار یک جله بر حدود
میباشد انبار بر گردانیده و مدیخ شان را بر
خاک بکشد و هر کسی در این واجب شرعی
الهی سق و تباران نمایند متفق اسر خدا
و رسول خدا کرده و خذلان دنیا و آخرت
را بر بی خود بستند و ان تکرار ان مارا
بموم مسلمین برسانید .
الاقول خادم الترمذی سید
مصطفی التروی الکانانی
بیسره حاجی موسی السلیبه حاجی
جعفر عبدالجبار الطبری حاجی فاضل
حاجی حود الملائک حاجی مهی هوز
تکرار انبنا رسیده و باعث کمدرت
ما که بود و ما کافه مسلمانهای دینارا اس
بقام و حرکت دادیم بنیم عتار و اهل بلاد
برسانید که ما انبارا اس می کنیم بجزیرکه
خدا اس فرموده عبارت باشد از مدافعه
کنار و حفظ بیخه اسلام تا غیر جز نیست .
علی رفیض
سوق التیویخ داعیه الاسلام الشیخ
باز جیدر
تکرار انبنا با تکرار انبنا اصل بیسره
رسید ما هم انبارا اس می کنیم که از ما بموم
عتار و کافه مسلمین برسانید که نامها
ارواز ما روزند بیک واجب دینی و فریضه
الهیه ران حفظ بیخه اسلام و دفاع کنار
است عتار را تحرش کن بر این اسر
ان عتار بیک هم در ان دینا شان را بزودی
اصلاح کن سرزانه با نام کوشش انشاء الله
مؤید بهر الله بوسیده .
علی انیش
حار
جناب اکرم انصم سالم ال خیون و محوم
عتار فی اسه

اسلام روزند بر تمام فرق اسلام واجب الهی
مبین شده که همگی بگفت و بیک قلب
گفته دفاع از بیخه اسلام نمایند و مانع از
تجاوز کنار باشند امروز و قیامت که هیچ
مسلمان دین دار صاحب غیرت و حسب
نبوت اندوسق و بخاول در دفاع داشته باشد
امروز باید تمام عداوات و عیای را کنار
گذارند بتقی الکلمه در مقابل دشمنان
وین سد شیخ و سوزنه بین اسلام انیم آید
ما این است که من قریب بشماره سستی
مفکوره شما را در خدمت بجایه اسلامی
که نجات دنیا و آخرت است بشنوم بکلمه
که خدمت از عالم امتش را مالا و رجالا
و شرفه بر شما تمام کرده انشاء الله شکر
این خدمت را در خدمت بر اسلام ادا خواهد
کرد شما در اسلام بفریاد اسلام برسانید
محمد تقی شیرازی
عتار بتوسط جناب الاجل المحترم
حاجی حور الملائک .
بعضر مبارک بنده کان جناب اجلا اکرم
سرور ارفع دام اقباله .
پتام ترمذی خضای محی واجب است
بر من مسلم حرکت و قیام با مسلمانی و اتق
کردن با آنها در مدافعه کنار از تشر بیسره
مال و جان و ابن حکم دینی فرق میان عتاری
و ابرائی بکنارده جهاد کن بامال های تان
و بنمایان شما روز شمارا گن خواهد نمود
انشاء الله و این حکم را بموم عتار رسانید
و قیجه اقدامات را سریم اطلاع دهید
خادم الترمذی محمد حسین الطارزی
الا - مرق شیخ الترمذی الاسلامی
الاحقر السید مصطفی الکانانی
الاقول جواد صاحب الجواس
آیه زاده خراسانی
الاحقر السید علی التبریزی
بهر معلوم زاده الراعی الحدردالدین
سوق التیویخ جناب ناصر الاسلام
با مشر لا حکام الشیخ باقر الشیخ جیدر

صورت مکرانی است که در جواب انجمن مقدس ملی تبریز از حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای

افشاریج محمد کاظم مجتهد خراسانی مدظله رسیده است که محض اطلاع عامه مسلمین طبع و نشر می شود که عموم مردم

مخالفت با اساس شریعت و مجلس در حکم مجازیه با صاحب شریعت مطهره است که مفاد لفظ مجازیه

و معاذه می شود که در مکراف مرقوم داشته اند بکلمات خوش ادای بعضی مفیدین فریفته نشوند که بعنوان سر

مقدس بعضی تسکینات پیش می آورند و می خواهند رخنه در این بنای عدل و استقامت بلندتر از حد خواهیم توانست

انجمن محترم ملی تبریز نشیدانده تعالی قواعد

مکراف انجمن محترم داصل و صدقات و مصائب وارد بر رضا مسلمین آن بلاد خصوصاً مظلومین ماکونه چندان موجب تأسف و تحسیر است

که تحریر شود معلوم است بمصدق آیه مبارکه (و لن یؤخکم شیئ من الخوف و الجوع و نقص من الاموال الا نفس و الثمرات و بشر الصابرين

ظاهراً و امیدوار است که بعون ابد و حسن تائید نتیجه محموده صبر عاقبت حاصل و انجا ظلم و تعدیات استبدادیه بکلی مرفوع گردد

و محکمین ایلات زیاده بر این بدرداء مسلمین را براندازد داشته خود آنها هم اگر در زمره مسلمین محسوبند زیاده حریت و تجارت نخواهند نمود

انشاء الله تعالی و اقداماتیکه بعکس معمول و رتی عطا و تفریق کلیه ملت و مخالفت مجلس محترم شورای ملی رفع الله تعالی قواعد از

بعضی اظهار شده موجب کمال تأسف و تحسیر و در جواب شکایات واصله از جمله از بلاد و حال وضعیت عموم علماء و قاطبه مسلمین

انالی آذربایجان اعلام شود که کمال بی و اهتمام و جد و جهد از تشید مبنای و اعلاء امر مجلس محترم شورای ملی رفع الله تعالی قواعد که

امروزه خط بیضه اسلام است و صیانت خوره حدود و ثغور مسلمین بدان منوط است بحال اتفاق دو فکرمی و اعراض از مخالفت آن

از اہتم و اجابت و فرایض و مخالفت آن مجازیه و معاذه با صاحب شریعت مطهره علی صانع بلا فخر صلوات و سلام است و انشاء الله تعالی
بعد ازین کسی مخالفت نخواهد کرد چنانچه برخلاف انمضمون نسبتی داده شود کذب محض است و مضمون این مکراف توسط انجمنهای تحریر کتب بلاد
اعلام و مجازیه اطلاع دهید انشاء الله تعالی (مقر محمد کاظم خراسانی) ایضا صورت مکرانی است که با قبال السلطنه اکوئی فرموده اند
بسم الله الرحمن الرحیم توسط انجمن ملی تبریز رفع الله تعالی اعلامه جناب جلالتماب قبال السلطنه اکوئی از مثل آنجناب که کفایت و تعهد
بر صوفد مرقب جان است که بنگرانه نعمت الهیه جلت اعلاء در خط نفوس و اموال و اعراض و سد ثغور مسلمین بذل کفایت فرزند
این اوقات برخلاف اموال اخبار بوحشه از حال حریت و پیکار در قتل نفوس و هتک اعراض و هتک اموال میرید چنانچه خدای بخواند
تحقیق شود الله تکلیف قاطبه علماء و جمیع مسلمین طور دیگر خواهد شد (مقر محمد کاظم خراسانی)

تصویر ۷۳

سواد دستخط مبارک حضرت حجة الاسلام آقاي ابي الله خراساني مدظله العالی
که بد توسط اشرف الحاج حاجي علي آقاي حاجي رحيم طاب ثراه مناسبت شده

اروميه

* بسم الله الرحمن الرحيم *

عموم آقايان عظام علمای اعلام ارکان الاسلام ان باده دامت بركاتهم را بسلام وافر مخصوص مینارند.
البته ان ذوات محترمه بوظیفه و تکلیف فعلی که در حفظ بیضه اسلام و صیانت مذهب
در عهده دارند قیام خواهند فرمود و این معنی را پیوسته در نظر خواهند داشت که
دول مسیحیه از چند قرن قبل بر این طرف هر یک از هر طرف که به بلاد اسلامیه راه داشته
به محور استقلال اسلامیان و عدم اساس مسلمانی همت گذاشته کاملاً بمقدمت ان مشغول
و حالا بگرفتن نتیجه پرداخته اند مفاسد داخلیه مرکز و جوار باطله معاندین اساس دیانت حقه
و جدیت لامذهبان داخلی در موجبات نفرت قلوب و تفریق کلمه ملید هم از فروع این اصل
است و منشا تمام این مفاسد اساس تمام خرابیها اقامت فتنون اجانب است در داخله مملکت
ایران که علاوه بر تمام این مفاسد موجوده طول اقامت آنها در اینجا بفساد اخلاقی ملت
ذهاب غیرت اسلامی و ضعف عقاید مؤذنی و بوسیله دامها نیکه افکنده اند مسلمانان سست
تنصر ضعف لایمان را آلت اجرای مقاصد خبیثه خود نموده کار بجایی رسیده که بستگی
به اجانب و تحت حمایت آنها بودن برای مسلمانان موجب شرف و افتخار شده است؟
یا لاسف که درجه ضعف ایمان و جهالت و بی خبری مسلمین از مقتضیات دیانت
اسلامیه باین مرتبه منتهی شده است خوبست که از ملاحظه حال مسلمین سایر ممالک
مثل ترکستان و قفقاز و بعضی صفحات هند و غیرهم که به همین ترتیبات ابله فریبانه دشمنان
دین شریف و استقلال مملکت خودشان را از دست داده حالا در ذلت اسارت و رقیبت
کفره گرفتارند. عیورت بگیرند! فعلا هم وظایف عموم علمای اعلام و حصون اسلام این است
که در سد این ثلمه عظیمه آورده بر اسلام بذل جهد و صرف مهجده فرمایند

تمام ارباب منابر و واعظین را مقرر فرمایند که در مجامع عامه و خاصه بمقاد آیات و
اخبار و ایده در منع تواد و تحاب و انس با کفره فضلا از کار گذاری آنها را ذهنی قاطبه مسلمین
نموده بپند بفرمایند که به نص کلام مجید الهی عزاسمه (لا تجدون من الله و الیوم
لا اخر یوادون من حاد الله و رسوله) این رفتارها با واقعی بودن ایمان منافق و البته اکثر مسلمانان
پای عقیدت باین معنی متذکر و بفهمند که چشم و کوش بستند در وادی محور استقلال اسلام
قدم می زنند البته از این سکوت و غفلت متنبه خواهند شد و بعقد اخوت و اتحاد در دفاع
از حوزه اسلام موقی خواهند کردید و بلکه بهمان فطرت اسلامی بدون حاجت بصدد
حکم تجزیم امتعه رسیده از این فضول عیش که موجب ذهاب بیضه اسلام و ثروت مسلمین است
غص عین خواهند کرد و حتی بقوه دفاعیه که فعلا بر قاطبه مسلمین واجب است و اهمیت آن
از تمام احکام شرعیه مطهره بدیهی است مبادرت و احکام سبق و رمایه را که در این عصر
مصادقش مبدل است عموما امثال و بلکه در این باب بعد از مشورت با آقايان هیچ الاسلام
انچه به نظر رسیده باید حوزه علمیه تمام بلاد محروسه با هم متفق و متواء شوند و در مورد
واحد همه به تعلیم قوانین حرب شروع کنند که موجب ناسی طبقات ملت گردد انشاء الله
التعالی و السلام علیکم ورحمة الله من الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی

آه از روس و فغان از جبر روس

بر مسلمانان نمائند جز فسوس

این ندا آید ز چرخ آب نرس

کروطن خواهدان ندارد و اتحاد

صورت تعلق است که در منبر حضرت هجته
الاسلام خراسانی فرموده‌اند و پنج شه نذر از
علما و متدبیرین نجف اشرف که شرف حضور
داشته بجنب مستطاب عمدة التجار و الاعیان آقای
ساجی رضاقلی آقا تاجر خراسانی مرقوم داشته‌اند
چون تمامی مکاتب متحد المذاهب بود اینست
صورت یکی از آنها عیناً تا آخر تعلق اقا درج میشود
بسم الله الرحمن الرحيم

بعد از طی مراسم دعا کوی آن ذات مقدس
نوع پرست وطن دوست ملت خواه عرضه میدارد
چون تلکرافات متوالیه آن برادران دینی و ابناء
وطن از علیه رسید موجب هیچان آقایان طلاب
ساکنین نجف کشت تا آنکه روز جمعه هفتم شهر
شعبان نمره ۳ جریده فریده حبل المتین زیارت شد
مشمول بود بر مکتوب تلکرافی برادران ایرانی
مقیم قفقاز که حضرات حجج الاسلام ادام الله فضلالهم
و عموم طلاب ارض مقدس عروی علی ساکنین آفاق
التحیة و التناغم داشته بودند و رسیده بود چون
این تلکراف که لطف خیزی چون کداز و دلسوز بود
در میان آقایان طلاب منتشر گردید هیچان فوق العاده
پدید گشت شب بکتابه یکسانت از شب گذشته که
حوزه درس حضرت هجته الاسلام خراسانی ادام الله
ظله العالی مشتمل بر باصد نفر افلا از فضیلابی
طلاب منعقد گردید. دو نفر از طلاب غیور همان
صورت تلکراف را آوردند و دریای منبر ایستاده
قراآت کردند صدای گریه و ضجه و ناله از تمام
طلاب پدید شد حضرت آیه الله نیز گریه شدید
کردند حتی آنکه فریب نیم ساعت بعد از تمام
شدن مکتوب باز هم گریه میکردند بعد از آنکه
قدری آرامی حاصل شد آنوقت حضرت هجته
الاسلام تعلق باقی فرمودند که عیناً درج میشود.
(سورت تعلق حضرت آیه الله خراسانی)

بر احمدی از مسلمین ستم و شپه نیست که
سلطنت ایران سلطنت جور و سلطان آن سلطان
چاراست زیرا که سلطنت او بانی امام یا نایب امام
عابه السلام نیست و چون تقلیل ظلم مثل اصل
ظلم واجب است لهذا برای جلوگیری از افعال
و حرکات سلطان و استغناء حقوق کلیه ملیه اسلامیة
حکم بمنسروطیت گردیم و مشروطیت را از قیود
سلطنت ظلمه جازه دانستیم که مگر بواسطه این
قید تقلیل در ظلم و جور ایشان گردد. بنابراین
هیچ جهت ندارد که بعضی از جهل بدبسته آنکه
باید مشروطه مشروعه باشد غیر مخالفت برافراشته
و موجبات تفاق و اختلاف بین مسلمین را فراهم
کنند و سبب این همه قتل نفوس و هتک اعراض
و ستم دعا شوند فساد را دار و تفاق را شایع سازند
اجانب را بر مسلمانان مسلط کنند. مردم ایران
در بنیاد امر کان میکردند مشروطیت تجدید
امور دولتی است و پس اینها تمامی اقسام در این امر
کردند. زمانی نکند که فهمیدند مشروطیت
تجدید امور هر طیفه از طیفه ملت است خواه

اجزاء دولت باشد یا ملت هر کس دست تعدی
دراز کند کوتاه میشود. لهذا مستبدین و هرج
ومرج طلبان سر از این کار برزده طریق استبداد
و مخالفت پیش گرفتند و علم استبداد و تفاق را
برافراشتند و علی التناوب بدست یکدیگر سپردند
و کردند آنچه باید نکندند. و مجرد اینکه در طهران
بنای مخالفت و ظلم گذاشتند جمیع بلاد ساکت
گردیدند با اینکه ابتدا اقدامات مجذبه داشتند
و بلغرافات بی درپی در خصوص تمهید و وعید و خلع
و نصب کرده بودند ولی بحمد الله و الله ما چنانکه
از اول همراهی در این امر که محبوب و مستحسن است
داشتیم اکنون زائد بر پیش همراهی داریم و هر
موجود و جهد در استقامت این کار توأم خواهیم نمود
والله و بقیه از ریختن خون خودم و زنجیر شدن
و انواعهتک ابداً نرس و واهمه ندارم و اذیع است که
خون ما عزیز تر از خون برادران دینی نیست
و زیاده از حد میل بحرکت دارم اما در خصوص
حرکت کردن ماها بصوب ایران حد اوند عالم
شاهد است که اگر احیاناً ضرر بر عالم اسلامیت
نداشت و نفی هم بر حرکت متصور بود حرکت
میکردیم ولی چون منافع حرکت را مزید بر توفیق
نداشت و به جهات عذبه توقف بر حرکت ترجیح
داشت لهذا حرکت نکردیم و البته همه میدانند که
حضرت هجته الاسلام آقای حاجی میرزا حسین هم
با کمال ضعف و تشاهق که دارند خواهش حرکت
فرمودند چه جای امثال من که تشاهق ندارم
و همچنین هجته الاسلام آقای ملا ندرانی لکن مطلب
همان است که عرض شد ولی از هر گونه اقدامات که
ممکن گردد دریغ نخواهیم نمود.

سورت دستخط مبارک حضرت هجته الاسلام
آیه الله آقای خراسانی مد ظله العالی است که بخط
و مهر شریف رؤسای ایلات بتوسط جناب مستطاب
عمدة التجار و الاعیان آقای حاجی رضاقلی آقا
تاجر خراسانی مقیم اسلامبول مرقوم فرموده
الذکر ایشان از هر راه که ممکن است بصداهاش
رسانند.

بسم الله الرحمن الرحيم
عرض میشود — کان ما این بود در زمان
دولت حقه و ظهور حضرت صاحب الزمان علیه
الصلوة و السلام رؤسای عشایر ایران خصوص
ان جناب جناب فغانی ها در رکاب آنحضرت نموده
آن بزرگوار را در دفع اعدای دین مبین نصرت
و یاری خواهید نمود. حالاً نقل میشود که خدای
مخواست. در اطاعت ظلم سوزی سولره و پیاده بران
گشتن برادران دینی خود که در میان بسی از اولیاً
خدا هستند نموده‌اند. اگر چه سابقاً بصوبه عشایر
ایران خاصه از حدود تلکرافتاً اعلام شده که اطاعت
ظلمین و اطاعت حکم قتل مشروطه خواهان نیز از
اطاعت یزید بن معاویه و با مسلمانی متفی است

لاکن چون ان تلکرافات را نرسائیده اند مجدداً
محض تکلیف شرعی خصوصاً بشما زحمت میدهم
تا زود است تلکرافت این بجزم نموده چرا حق که
بر غالب حضرت امام زمان از معاونت ظلام زده
اندر مرهم گذارید و یکدیگر و یکجهت در متابعت علماً
اعلام که نواب آن حضرتند کوشیدیم و نهیای برادران
خود را از اسیری و نفوس از قتل خلاص کنید
تا نباشید از اشخاصیکه روز قیامت وقتی که متادی
رب العزیز ندا کند این اعران الظلمه ملائکه عذاب
شاهارا حاضر و معذب باشید و لا ترکنوا الی اللدین
ظلموا قتمکم النار و السلام خیر ختام .

من الاحقر الخانی محمد کاظم الخراسانی
صورت دستخط مبارک آقایان حجج الاسلام
ادام الله فضلالهم است که در نجف اشرف عکس
انداخته و بجهت انتشار و رساندن به رؤسای ایلات
و غیره فرستاده‌اند عیناً درج میشود.
بسم الله الرحمن الرحيم

بتاریخ ششم جمادی الاخره از نجف اشرف
خدمت عموم علمای اعلام و قاطبه مسلمین غیور
ایران دام تأیید هم و صدعیم امروز بتوسط مکتوب
چگونگی معلوم شد چند روز است ایران خصوصاً
طهران در کمال اغتشاش و جوی از مسلمان مقتول
و آنچه تلکراف باطراف نموده و تظلم کرده اند آنچه
استبداد مانع از وصول و جلوگیری نموده است در
حین اطلاع اعلام میداریم تا بحال محض حفظ
نفوس و نوابیس و اموال شما آنچه باید و شاید
کنیاً و تلکرافاً بشخص شاه بخار و مکاتبه نموده
و بدلیل و برهان تواق دولت ایران و حفظ ممالک
مخروسه اسلامیة را از استیلا دشمنان برکنان
مساعدت و همراهی با ملت مدال داشتیم و از نصایح
خبرخواهانه فروگذار نکردیم لکن بواسطه احاطه
چند نفر مغرض خود خواه باریکه سلطنت تمام عهود
و ایمان مؤکده حتی مهر کردن ظهر کلام الله شریف را
نقض و بفران عیید استخفاف و ستم دهنه و هتک
اعراض و هتک اموال شد آنچه شد بلام اکر
غیرتندان ایران بنیم و سکوت بگذرانند عمارت
است که العباد لله تعالی مساجد اسلام کتبه و روضه
منوره حضرت ثامن الائمه صلوات الله و سلامه
علیه باقی کفار خواهد شد و لا ارانا الله تعالی ذلك
علیهذا عموم مسلمین باغیرت خلاصه عشایر و ایلات
تمام ممالک مخروسه و سرگردان لشکری و فراق
و افواج که هزار حارس و حامی ملت بوده بدانند که
جد و جهد در استحکام اساس قدیم مشروطیت که
بنیای آن امر معروف و نهی از منکر و رفیع ظلم و اشاعه
عدل است و حفظ دین و دولت اسلام بآن متوقف
بمنزله جهاد در رکاب امام زمان صلوات الله و سلامه
علیه و اطاعت حکم بر اتلاف نفوس عزیزه مسلمین
مثل اطاعت یزید بن معاویه است تلکرافات عذبه
هم رأساً و بتوسط سیم فصر بیلاذ نموده ایم و کان
نداریم برسد

نجل المرحوم الحاج میرزا خلیل قدس سره
الاحقر الخانی محمد کاظم الخراسانی
الاحقر عبد الله الملا ندرانی

۳۷

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت عموم برادران دینی و اخلاً ایمانی با کمال توقیر و احترام زحمت میدهیم
با اینکه از ابتدا بعضی تدابیر و اقدامات حضرات آقایان متوقفین زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم عم را پسندیده
نداشتیم و کثرتاً با واسطه و بیاواسطه بنصح و وعظه خواستیم ایشان را از آن حرکات مرتدع منافی فتنه و
بهبود نصاب ما را قبول نکردند تا اینکه منتهی شد مهاجرت ایشان بر اوایه مقدسه و همه وقت سورت
هجران برادران خود را بخوانند و تمنی و الحاح مروی نماندیم و در این مدت هم که حضرات آنجا توقف
دارند مکرر بوسائلی بی غرض اصلاح حال و دفع اختلال را با بیانات صحیحه خواستار شدیم و اجابت نشد
روز گذشته چون هجران ملت را فوق العاده دیدیم و انخام ما را از عهده خواهش خودمان خارج دانستیم
و در راه تقویت این اساس مقدس و تأمین نفوس و قلع ماده فتنه از هیچ اقدامی مضایقه نداریم بطوریکه از ملت
مختفی بود حرکت نموده و بر اوایه مقدسه در منزل ایشان وزود کردیم و آنچه لازمه نصح و اندرز بود بلسان
برهان بلکه با تضرع و الحاح نمودیم

علم الله تعالی با کثرت مذاکرات هیچ مقصود صحیح و منافی از ایشان نفهمیدیم فقط اظهار کلام مندی از
مذاکرات بعضی از و کلاً محترمین داشتند و با وجود اینکه مساحت تمام و کلاً محترمین را که امروزه امناً ملت
هستند از لوث مرتبت یک و هر یک هر یک ایشان را به بی غرضی و بیستاییم و خادم خیر خواه این ملت محبتیم
و حامی قواعد شرع و منتهی در کلامه جامعه اسلامیه مبدانیم همه را بلسان این تکلم کردیم

با وجود این چند نفری از ایشان جدا از اجابت مؤلف ما امتناع و نجافی نمودند و این فتنه که لامحاله موجب سفاک
دماً و سلب امنیت است بجزئی نشمردند چون از حصول نتیجه مایوس شدیم مراجعت کردیم این بود تفصیل
حال ما حال خواهشی که از شما برادران داریم و با غیرت فتوی که در شماها
سراغ داریم و اتق با اجابت هستیم این است که از تعرض بحال حضرات کلمه سکوت نموده و با کمال اهتمام
در خود نازده فتنه و فساد کوشش کنید و بر خون برادران خود که تحمل این همه زحمت را در راه وقایع
آن کرده اید رحم بکنید از شماستند ما بکنیم و حرمت دین اسلام را پیش شما شایع قرار میدهیم که از تعرض
بنواحی فساد و فتنه کنار نمانید و ما را پیش اجابت خجل و شرمسار نخواهید و هیچ احتمال ندهید که
باین وضعها بشود رخنه در این مقصد مقدس کرد کمال اطمینان بنسایت حضرت ولی عصر ارواح
العالین فدا است که باین ضعف حال مملکت و اختلال امور مسلمانان البته صرف توجه از این مشت شیهه
ضعیف نخواهد فرود و این تمت غیر مترقبه که بهما مرحمت فرموده سبب نمیرماید بحمد الله رب العالمین
عموم علماء اعلام این بلاد و سایر بلاد خاصه حجج اسلام عراق عرب دامت اخلاصهم و عامه مسلمانان در تقویت
این مقصد اس اسلامی بذل جهد دارند و ما خدام شما برادران هم تاجز در بدن داریم این مقصد مقدس را از دست نداده
و چون اعلاً کلمه حقه و قوت دین اسلام و امنیت بلاد و آسیای عباد را در تقویت این اساس مقدس مبدانیم از بذل
مال و جز مضایقه نداشتیم و نخواهیم داشت و غافل نباشید که از مخالفت این مخالفین حلی باین بنای مقدس وارد خواهد آمد
البته شما مسلمانان هم چون مبدانید که مغرضی جز صلاح عامه نداشتند و نداریم این خواهش ما را
قبول کرده و هائطور که و کلاً محترمین اید هم الله تعالی بنسایت بی غرضی رأی داده اند اجراً دانسته
و با کمال قوت قلب از تعرض بحال حضرات صرف نظر کرده و در وجبات تقویت اساس مقدس بانحداد
همت و انصاف کلمه مسامی جنبه مینول مبدانید و رفع این فتنه را در عهده ما مانا گریان و و کلاً محترمین
دانسته تکلی فرغ البال بانه (بتاریخ یوم جمعه ۲۳ شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۲۵)

- ﴿ حرزه الاحقر عبدالله الموسوی البهبهانی ﴾
- ﴿ آملی آقا سید عبدالله مجتهد ﴾
- ﴿ الاحقر ابوالقاسم الحسن الحسینی ﴾
- ﴿ آملی آقا سید جمال الدین الحسینی ﴾
- ﴿ الاحقر محمد جعفر الحسن الحسینی ﴾
- ﴿ آملی آقا سید جمال الدین مجتهد اقمه ﴾
- ﴿ الاحقر حسین الرضوی ﴾
- ﴿ آملی آقا میرزا سید حسین قمی ﴾
- ﴿ آملی صدر الایمان ﴾
- ﴿ آملی آقا سید محمد علی طهرانی سلمه الله تعالی ﴾ (در مطبعه پریشان بطبع رسیده)

صورت ۷۷

مطبوع در آستانه مقدسه حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه و علی آباءه الکرام

برای انتباه و رفع اشتباه از برادران دینی روز یکشنبه هفدهم شهر جمادی الثانی (۱۳۲۵)

بسم الله الرحمن الرحیم

سواد مرقوم حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آية الله فی العالمین آقای آقا سید محمد کاظم یزدی طباطبائی

دام ظلّه العالی یحیاب مستطاب حجة الاسلام مروج الأحكام آقای آخوند ملا محمد آملی دامت برکاته العالی

بسم الله الرحمن الرحیم

عرض میشود که جواری حضرت اقدس پس متعال و قادر بر ذوالجل شانزه عزیز فریدتائیدات آن جناب است

امیدوارم از توجهات خاصه حضرت ولی الله عملی الله فسرجه مؤید و منصور و پیوسته ترویج دین مبین و

تقویت شرع مستین و اعلا کلمه اسلامیه و نشر احکام شرعیه و اشاعه دینیات و حفظ عقاید اخوان مؤمنین مستقیم

باشید این جانب تذکرمات آن وجود شریف در اقامه شرعیات بوده و در این آستانه مبارکه قضای

بادهیه صالحه میسمنوده و در این حوادث واقعه و قن مستحده ناچار سکوت را اصلاح میدانسته و داخله در این

قسم امور را که مستقیم بعضی لوازم است بر خود رواند اشتم ولی از تو اترنا ظایمات و اصغار نش کفر و زندقه

و الخاد در سواد عظیم ایران بقدری ملول و متأثر شده که لابد شدم دیگر بر حسب وقت آنچه تکلیف الهی است

اد انما یم موزخه بیت و دو نیم جمادی الاولی بر حسب لزوم مگرانی را سارا زنج اشرف بعنوان آن جناب

مخبره نمودم انشاء الله رسید صورت آن را الفبا ارسال میدارم امید است از اثر استقامت عالی
مقام دفع کفریات شایعه برآید ان شاء الله که عبرت موهوم و بعضی روزناجیات لغو و مکاتیب خمبیه است
بطور اصلاح و انبجولوگیری شود که بتدریج سد ابواب طعن را برز و سارقت نموده عتاید عاتمه سلیم محفوظ
ماند ولا حول ولا قوة الا بالله العلی اعظم حیبا الله و نعم الوکیل و استلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

(الاخر محمد کاظم الطباطبائی تاریخ ۲۲ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۵)

گروه مؤمنین و شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام مرقومه متبرکه که این آقای حلیل القدر عظیم الشان را که هرگز
از مغاخر مذہب جعفری و آثار فقه اثنی عشری است زیارت و قرائت میکنند و بسیند باین بزرگوار
چه معلوم شده است که بطور اظهار قلق و اضطراب کرده و شرح نقیض و انقلاب داده اند گویا بر خاطر عاظم ایشان مشکوف گردید
که دشمنان دین بدخواهان مسلمین باسم نشر بساط عدل و حسان و قطع دابر اهل بنی و عدوان اسلام را هدف حوادث کرده آماج
سواخ ساخته اند در کمال گرمی و زرمی غمخواری ایسلام و هواداری شریعت را عنوان کردند و بسنوز عند اللزوم
اظهار میدارند ولی بیسوجه حاضر نیستند که چند فقره دایره بخط حدود اسلامیت و حرمت حامی شریعت
در قانون نامتاسی مجلس شورای ملی مندرج شود

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم اذ اجانک المناقون قالوا انشدکم
لرسول الله والله یعلم انکم لرسوله والله یشهد ان المناقین لکاذبون

خدمت برادران دینی و اخوان ایمانی و فقهم الله تمالی زحمت میدهد از روزی که این داعیان و سائر علماء اعلام و آقایان مملکت حالت بریشانی مسامین و نساط کفار و خرابی مملکت و تجاوزات اجانب را در دو سال قبل یافته بر خود حتم کردیم که بقدر قوه در اصلاح حال این ملت و حفظ بیضه اسلام که تکلیف شرعی داعیان است بکوشیم و نگذاریم که اجانب بر مسلمین تفوق یافته اسلام را تضعیف نمایند این بود که بهمت عموم مسلمین و برادران دینی و توسل بامام عصر عجل الله فرجه تاسیس مجلس شورای ملی شد الله ارکانه و به دلیل سلطنت مطلقه بتشریطت گشته متجاوز از یکسال است که وکلای ملت با کمال زحمت مشغول اصلاحات امور شده اند و امیدواری کامل بملطف خداوند و امام زمان و همت وکلای ملت در تکمیل نواقص و حل مشکلات حاصل شده است ولی از آنجائی که مفسدین و خائنین دین و دوات دست از القای نفاق برنداشته و هر روز به سینه در تخریب این اساس مقدس میکوشند و این اوقات بنالایه از تخریبات داخلی و بیست مفسدین در مرج و مرج و قتل و غارت بلاد و اغتشاش طرق و شوارع توسل بوسائل بخارجی را نیز موصول بطلب یافته اند و باره عناوین خارج از انتظار رقب پیش آمده

لذا لازم دانستیم که بعموم مؤمنین و مسلمین و ساکنین خاک ایران اعلام شود که حفظ اساس مشروطیت بر کفایت مسلمین واجب و لازم است و امروزه جز باین طریق حفظ بیضه اسلام ممکن نباشد و اگر کسی برخلاف این بنیان که موافق قوانین شرعی و احکام دینی است اقدامی نماید مردود صاحب شریعت خواهد بود داعیان و سائر علماء اعلام که مؤسس این اساس بوده اند تاجان در کالبد داشته باشند نخواهند گذارد که خللی بدان حاصل شود یقین است که صاحب شریعت مطهره مدد فرموده براه فساد مفسدین را مدد خواهد فرمود و توهم مفسدین و مخالفین که بافتار اکاذیب و مجمولات در شق عصای مسلمین و افساد بین آنها میکوشند منتج نتیجه متصوره نخواهد شد و جز بخود آنها برکت نخواهد کرد و لا یحقی المکر السی الابله در این موقع که ابواب خدمت و مکر برای تخریب این اساس مقدس که نتیجه آن تخریب و برباد رفتن ملک اسلام است کشوده شده است لازم دانستیم که عموم مسلمانان را متذکر نماییم تا مبادی اعلی النفعه در آنچه مصلحت نیست واقع شده و خدای نخواستہ محذوری پیش آید که اگر دفع آن ممکن باشد ناچار در چار زحمات شوند پس با کمال امیدواری بفضل خداوند اولیاً اظهار سلام الله علیهم پس از آن بحسن فطرت اسلامی آن برادران بدین چند که اخطار میبایم یا معترلمان اول نکته که در پیشرفت هر مقصد نوعی خاصه مثل این امر مهم لازم است تحصیل اتحاد بین فرق مسلمین و اخوت حقیقه است چنانچه هر کسی که در خیال تخریب ملک و هدم این بنیان مشروطه باشد اول حبله که می اندیشد القافاق است پس بر هر فردی از افراد نظام امروزه لازم است که بنیان اتحاد را محکم و اساس اخوت را مستحکم نمایند نه اینکه هر روز به کشتار منرضی برادران خود را متهم و دستخوش افوا بل موهه و عناوین غیر لایقه بکنیم که قهراً اعضا اتحاد این مملکت از هیئت اتصالیه منفعم و اغیار داخلی و خارجی در مارا پیدا کنند پس لازم است که در هر یک انجمنهای اتحادیه از دیگری ذکر حبل نمایند و همگی برادران خود را مکرراً آن که مخالفشان اظهار من الشمس است با خود متحد سازند و اگر از کسی در هر طبقه که باشد امری موهم خلاف مشاهده شود فوراً او را رومی بخلاف نمایند بلکه از خود او محمل صحیح مطالبه نمایند چنانچه برار باب بیان و بیان از خطبای اهل منبر و صاحبان جرائد و مدبران روز نامه لازم است که مهیا مکن از ذکر سو بکلی اجتناب نمایند و هر کس را بحس بیان با خود همراه کنند اجمالاً

هیچ چاره برای علاج امراض مزمنه ما جز اتحاد و اتفاق نیست ای مسلمانان بدانید و آگاه باشید که اگر وضع بر این منوال باشد هیچ نتیجه جز تسلط اجنب و پیشرفت مقاصد دشمنان داخلی و خارجی بدست نخواهد آمد و این نعمت عظمی که بخون دل تحصیل شده است مسلوب خواهد شد لکن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم ان عدائی لشدید کلمات مفرضین را وقف نکنید و تحریر نکنید بنسبین را یجوزی نشمرید و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا و اذکر و اسمع الله علیکم اذ کنتم اعداء لفریق قلوبکم فصیحتهم و صیحه اخوانا و اذکرکم علی شفاعت من التارفاتکم منیا چنانکه این خدام شرعاً تو را این تکلیف را بر خود لازم و واجب دانسته و در راه حفظ بیضه اسلام و حدود و تنور مسلمین و ایجاد اتحاد و نگاهداری مقام و اتفاق بین افراد آنها ببدل مال و جان مضایقه نخواهیم نمود انشاء الله همینطور بر تمام مسالین لازم است که بقدر قوه در نگاهداری دولت اسلامی کوشش نمایند و اینک امر مهم تعلیم و تعلم فنون جنگی و علوم حربی بمقتضیات عصر است زیرا که دفاع با مخالفین و حفظ امنیت نظم و بلاد و طرق و شوارع و قطع طمع ارباب طمع از این ملت نشود مگر وقتی که اسناد قوای حربی مملکت را آگاه شده بدانند که مسلمین در نگاهداری دین و دولت و استقلال سلطنت مشروطه خود و حفظ مجلس و مشروطیت از راه تکلیف دینی حاضرند و دفاع بنحی لاین را فریضه ذمه خود میدانند و مسلم است که دفع مخالفین با اسناد حربی که دارند باجماع و اجتماع اشخاصی که از فنون حرب آگاهی ندارند ممکن نیست یک فوج سرباز با علم صد هزار نفر بی علم را معنوم خواهد نمود پس بر تمام افراد مسلمین لازم است تا علم و فنون حربیه و باید اولادان خود را بکارند باین کار و باستحضار و استصواب مجلس مقدس شورای ملی در تحت نظارت و ریاست وزیر جنگ دولت مشغول نمایند و مشق شوند و به تبعیت صاحبمنصبان نظامی هر روز در میدان مشق حاضر شده مشق کنند تا در آنک زمان عموم رعیت ایران به اوج و فنون حرب آگاه و تمام سرباز باشند و از آنها ترتیب افواج و عساکر داده شده دفع شر مخالفین نموده تا بقا و حفظ نظام و امنیت داخلی و دفع مفاسد خارجی ممکن و مملکت از مفاسد این و از خطرات اسوده بماند

امید است که جوانان ایرانی در این امر مستحب که اینک بمصلحت لازم و محتتم شده است از روی غیرت اسلامیت و عرق مایهت اهتمام نموده کسب شرافت و افتخار ابدی در نگاهداری اسلام و اسلامیان بشانند و اگر بر حسب مرسوم زمان ازوم این امر را چندان مطامع نباشند نظر ببول اسلام فرموده موالی خود را در حروب و جهاد با کفار یاد آور شوند و بدانند که علم جنگ اگر مخالف شئون اید اشرف مخلوقات و الاطهار امجادان بزرگوار سلام الله علیهم اجمعین بدان مفاخرت نیفر نمودند بخداوند توفیق عموم برادران دینی را در این امر خواهانیم ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کتیم بنیان مرصوص

﴿ عبدالله الموسوی البهبهانی ﴾

﴿ محمد ابن صادق الحسینی العباطی ﴾



(تالکرافات علماء نجف و شیراز و دستخط آقای آقا سید عبدالله دام برکاتهم)

— (از نجف بظهران) — شماره ۷۰۲

بتوسط مجلس محترم عماد الاسلام آقا سید جعفر شیرازی و آقا شیخ محمد مساعدت بامجلس مقدس بر همه لازم تفصیل از قصر محمد کاظم الحراسانی

— (ایضا از نجف بظهران) — ۲۸ جمادی الاولی

حجج اسلام بامجلس شورای ایران بی درنگ باید همراهی کرد حرفهای مخالفین سموع نیست دعاویشان مزخرف الاحقر محمد کاظم الاخراسانی

— (از شیراز بشهر) —

بتوسط جناب مستطاب الفصح لناظفین حاجی ملک المتکلمین سلمه الله تعالی جناب مستطاب آقای بهاء الواعظین سلمه الله تعالی شرح بیانات و مطالب برانران خودم را نقل نموده مخصوصا امروز باحضرت اشرف اتابک اعظم الافاق کرده و لازمه تصریح را نمودم شهد الله تعالی لازمه همراهی و اقدامات را حضرت معظم بعد آورده و مشغول هستند و با کثرت مواضع بزودی انشاء الله تعالی تمام امور ثلاثه را انجام خواهند فرمود چه سبب خود دعوی مساعی جمیده و مکاتیب داله بر این مطلب را نمودم لذا در کمال امید واری از تمام آقایان طلاب و غیرهم خواهش نمودم شما هم مردمرا ارشاد فرمائید که امید است کارها انجام بگیرد و بعضی قسمت هروقت انسان بخواهد موقع دارد عجزاند باید بعنوان همراهی باشخص اتابک اعظم کارها صورت داد عجزاند بعضی از مرضیه در مقام محاصمه باوزارت داخله شده اند و از حضرت عبدالعظیم ۳ بیانات داده اند بعنوان اینکه بنا همراهی نمیکند انصاف نیست که ماها را مراحم بدیم وایشان هم بی فرصت کنیم انشاء الله تعالی امید داریم همین دوروزه اهتماماتی در کتبه امور شده سبب آسایش عموم فراهم آید جناب مستطاب بهاء الواعظین هم اینجا تشریف دارند عجزاند در انجام امورات اقدامات لازمه میفرمایند سید عبدالله بهبهانی

— (از شیراز بظهران) —

جواب ۲۰۳ روز دوشنبه

خدمت دبشرافات حجج الاسلام و امتی محترم دارالشورای ملی دامت برکاتهم عرضه میدارد تلگراف مبارک زیارت شد خواطر اهالی مجلس مقدس مسبوق است که این خدم شریعت مطهره در اعلاء کلمه مقدسه اسلامیه و تقویت مجلس مقدس که واقعا مبنی بر احیاء آثار اسلام است دقیقه مسامحه جایز ندارند و محذوف این اساس مقدس اگر چه آب و ابناء باشند منظرون و مردود صاحب شریعت و محارب اساس اسلام بدایم چه رسد بمثل شیخ فضل الله چه بچه خدما شعبة مجاهدین ما در طهران کواء مدعی است و چون ابقاء و اعدام این مجلس مقدس مساوی با ابقاء و اعدام اسلام است این خدام شریعت و عموم ملک با تل و جان ملی و اتحاد اهالی در مساعدت آن مجلس و دفع مخالفین و مستبدین اول همراهی را آخر قطره خون خود میدیم و بجهت پاس جناب شیخ از ملت بنوسط و کلاء درس تلگرافی شد و خواطر مهر طاهر آقایان حجج الاسلام عنایات عالیات را هم مستحضر ساختیم البته امتناء ملت بحکم مقام (ان کید انشیطار کان ضعیف) این وساوس را تشویش خاطر میداند و بی ملاحظه بوظایف خود مشغول خواهند بود (وومنه الله وایاکم لاتباع الهدی)

الاحقر محمد جعفر العبد العابد محمد باقر محقق العلماء ابراهیم الموسوی اقل حاجی علی آقا اقل محمود ابن عبدالجبار ابوطالب الحسینی الاحقر جمال الدین الاحقر هشتم طباطبائی محمد علی الحسینی الاحقر احمد طباطبائی

قیمت صدینار انجمن مقدس اسلام

صورت

بیدار شوید ای مات ایران بیدار شوید * بیدار شوید ای
 گویندگان لا اله الا الله بیدار شوید * برخیزید و نزد برخیزید
 برخیزید که وقت بر شما سنگ شده * برخیزید که شب شما طول
 کشیده * برخیزید که ابرهای تیره و دوفانهای شدید افق شما
 را گرفته * برخیزید که خرنهای شما در راهگذار سبل ماه
 برخیزید بحول و قوت خدا * برخیزید با کمک آنها و اولیا *
 برخیزید با استعانت کلام صدق خدا برخیزید * برخیزید
 مرد و مساج برخیزید * برخیزید با خرنهای بهیجان * برخیزید
 با دلمهای قوی * برخیزید با جاههای از غلب سیر شده *
 برخیزید پیش از آنکه مرگ شما را در رختخواب دریابد *
 برخیزید که اجل شما در تحت حول و قوه الهی است *
 برخیزید که آیه (اذا جائت اجهم لا یستخرون ساء ولا
 یستقدمون) کلام خداست *

وقت سنگ است * دشمن ما را احاطه کرده است * دین و
 وطن ما در خطر نزدیک است * اطفال ما از ترس بر خود
 مپارزند * زنهای ما را صاحبزبهای اجنبی بر بازهای خود
 وعده میدهند *

برخیزید مثل مردان پیش از آنکه مثل زنان پیرید * برخیزید
 مثل اشخاص با غیرت پیش از آنکه به بیبیری شناخته شوید *
 برخیزید مثل شهبان یک باز پیش از آنکه به بیدینی و بی تعصبی
 معروف گردید * برخیزید مثل سر فرزندان پیش از آنکه سر
 خجالت و شرمساری برز افکنید *

برخیزید ای پسران بدرهای غبور * برخیزید ای اولادان آبه
 و دلیر * برخیزید که دین شما در خطر است * وطن شما
 بدست اجنبیها افتاده * عرض و ناموس شما منزل است *
 ضربا بر بیبیری شما میخیزند * اجانب بر بی تعصبی شما استهزا
 میکنند *

وای بر اولادان ایران * وای بر فرزندان اسلام * وای بر
 تن پروان و سلامت دایمان *

ای پسران بدرهای غبور بکصد و ده سال تمام کمر شما در
 زیر بار این سلطنت منحوسه خم شد * حس شما فالج گردید
 بازوهای شما از کار افتاد * اول دفعه نام نامی شما بجهت
 تبعیت یک خواجه موسوم با آنکه قاجار به سنگ اپدی دچار

شد * پس از آن عجبجد شهر معروف شما را یعنی نصف
 مسدودتان را که اسمش قنناز بود همین سلطنت منحوسه بر وسها
 داده * سد با کمال جرئت و رشادت دست باهوال و عرض و
 نعرس و شرف شما دراز کرد

شاهزادگان این سلسله احوال شما را بدون هیچ حق شرعی
 تصرف کردند * زنهای شما را از خانهای شما کشیدند *
 پدران شما را بی هیچ دلیلی سربریده و شکم پاره کردند *
 زنهای شما را در شبهای عروسگی بخانهای خود بردند * غرق
 غیرت و حمت شما را بریده و برده های عصمت و عفت شماها
 را پاره کردند * در پیش فاحشهها مجبور بخدوت شدید * در
 جلو پسرهای بدعمل ناچار از تعظیم گردیدید * در مقابل گزبه
 های اندرون بخاک افتادید * خونهای شما مکیده شده * پوهای
 شما صرف بدمستیهای شبانه گردید و لهو و لوب روزانه شد *
 وقتیکه دیگر برای مکیدن خونی در بدن شما نماند * و مملکت
 اجداد عالی تبار شما بکلی از ثروت خالی شد * وقتیکه شلتهای
 زنان شما در بانگهای خارجه بگرو رفت * انوقت وطن عزیز
 یعنی قبرستان پدرهای شما را در پیش اجنبیها گرو گذاشته و
 در عرض هفت هفت سال بکصد و پنجاه کرور قیمت خاک و
 آب و عبال و اطفال شما را که از روسها گرفته بودند در چند
 سفر فرنگستان صرف چندها و فاحشههای خارجه و پیرشهای
 ایران کردند * در این وقت طاقت اولاد غبور ایران طاقت شد *
 غیرت ملیت و اسلامیت شما بجوش آمد * خونهای پدران غبور
 شما در بدنهایان بدوزان افتاد و با دو سال صرف جهد و دادن
 احوال و ضررهای بی انتها و تقریباً جان دادن ده هزار نفر از
 هوذنان مسلمان شما در شهرهای مختلف مملکت تازه کمی بوی
 آزادی پشاههای شما رسید * یعنی همت شما مجبور شدند که
 قرآن در حفظ مجلس قلم خوردند و گفتند بعد از این در تحت
 لواء مشروطیت و بتوسط علمای کرام و وکلای عظام بقانون قرآن
 شما عمل کنند * امروز در صورتیکه لنگر عثمانی تا نزدیک
 تبریز رسیده * در صورتیکه در تمام شهرهای ایران آتش
 انقلاب شعله ور است * در صورتیکه بواسطه بیبیری ما در رس
 و انکلیس میخواهند مملکت ما را تقسیم کنند پسرها و میر
 غصبها و خواجههای خودشان را بر روی شما وادارند و بخرهند
 مجلس شورای ملی یعنی خرنهای ده هزار نفر ایرانی *
 یعنی حامل ده ماهون ضرر و خارت عموم مات * یعنی

کتاب

مایه امیدواری فرزندان اسلام و اولاد ایران و آخرین بنام کاه
 گویندکن لاله الا الله را از زبان بردارند *
 ای ملت ایران * ای شیران عرصه جنگهای بزرگ دنیا *
 ای دایران فاتح بهنامهای عمده تاریخ * ای اخلاف اسلاف
 باغیرت * ای اولاد فاتحین هندوستان * چه شده است که
 چشمهای شما را خواب بیغیرتی گرفته * چه شده است که اعضای
 شما را مرض تن بروی از کفر انداخته * چه شده است که
 بازوهای قوی شما را نم تیغ فالج کرده * مگر از قدرت
 اتفاق خبر ندارید؟ * مگر از قوت قوهیت و مایت بیاطلاعت
 مگر بقول حضرت رسول بحق ناطق را که مفرماید (دست
 خدا باجماعت است) فراموش کرده اید ؟
 ای ایرانیان ایران مال شماست خالک و آب ایران شما تعلق دارد *
 تاج سلطنت در تحت حول و قوه خودتان است * ای ایرانیهای
 مسلمان * ای شهبان یگ و خاص علمای طهران و حجج اسلام
 نجف و کربلا و تمام طلاب محترم و عموم عقلای دنیا شما گفتند
 و نوشتند که مجلس مقدس شورای ملی لازم و آخرین مایه
 امید بقای اسلام است * دیگر چه انتشار دارید ؟ دیگر
 جاهای خودتان را برای کدام رختخواب زقانه گذاشته اید
 برخیزید بحول و قوه الهی * برخیزید بقوت دین مبین
 اسلام * برخیزید باجتن و مال و اسامه خودتان و در کمتر از

یکدقیقه قدرت اسلام را و قوه اتفاق ملی را باین مستبدین
 بیدین نشان داده * و خودتان هم معنی (بدالله مع الجماعه)
 و الجماعه رحمة مشاهده کنید *
 ای هواخواهان قرآن * ای عاشقان وطن * ای هواخواهان
 ایرانیت * از جانبازی در راه دین چه ترس دارید ! از
 فداکاری در راه اسلام از چه میهراسید ؟ آیا جای آنکس
 که در راه اسلام شهید شود بهشت جلویده نخواهد بود ؟
 آیا کشته راه اسلام باشدای کربلا علیهم السلام محسور نخواهد
 شد ؟
 بلی مرگ در هر صورت شما را پیدا خواهد کرد * دبر یازود
 همه این شربت گوارا را خواهید چشید * غیرت کنید *
 همت نمائید که این خونهای نالایق و جنهای ضعیف را در
 راه دین و وطن و ناموس بریزید * و پندای بلند بگویند
 و همه دنیا را شاهد بگیرد که برای اولاد غیور ایران مرگ
 باشرف هزار بار از زندگی ننگ آمیز بهتر است * و در حفظ
 اساس مقدس مجلس شوری این ادعای خود را با خونهای
 گلولی خود در جلو عمارت بهارستان مدال کنید *
 پانصد باد دین مبین اسلام * جلویده باد مجلس مقدس شورای ملی
 فنا باد مستبد و طرفدار استبداد



﴿ صورت تلگرام مبارک حضرات حجج الاسلام اصفهان متع المسلمین بطول بقا ۳۳ ﴾

— ﴿﴾ (اداره تلگرافی دولت علیه ایران) ﴿﴾ —

﴿ از اصفهان بظهران ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۲۶ نمره بکصدو ده ﴾
بتوسط انجمن اصفهان ، مرکزی ، آذربایجان ، جنوب و سایر انجمنها و
ادارات جراند عموماً صورت استثنائی که از حجج اسلام اصفهان مدظلالهم
شده است

حضور مبارک حضرات حجج الاسلام و المسلمین دم ظلم در طهران بعضی
افراد سرباز و سوار و قزاق در باغ شاه بمخالف مجلس مقدس شورای ملی
شهادت ارکانه و اسباب ترسانیدن مسلمانان جمع شده مهیای قتل و هب مسلمین !!
و انهدام اساس مقدس مشروطیت که موافق احکام شریعت است میباشد !!!
حکم شرعی در حق افراد آنها و صاحب منصبان آنها چیست ؟؟؟ شاید در
میان آنها مسلمانی غافل از حکم اسلام باشند میخواهیم آنها را از کمراهی نجات
بدهیم امرکم معناع

— ﴿﴾ بسم الله الرحمن الرحیم ﴿﴾ —

چون امروز بقا و دوام اسلام منوط به اساس مقدس مشروطیت است بقانون
شریعت مطهر اسلام این اشخاص مثل کسانی هستند که در کربلا اجماع نمودند
و در صدد قتل امام مظلوم برآمدند و هر تیری که بجانب مسلمین بیندازند مثل
اینست آن تیر را به بدن مقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام زده باشند و
اگر این اجتماعات اسباب خوف و سلب امنیت و ترس مسلمانان شده باشند مثل
کسانی هستند که اهل بیت عصمت را در کربلائی مملای ترسانیدند این اشخاص
و اخلاف آنها در دنیا مذبذب و مضطرب و در آخرت در رمزه قاتلین حضرت
سیدالشهدا ارواحنا فداء محشور خواهند شد کسانی که در کوفه پول گرفتند
و بچنگ سیدالشهدا (ع) رفتند با این اشخاص يك سائز ۲۰ ج ۱ ۱۳۲۶
عموم علمای اصفهان محمد تقی نجفی شیخ نورالله ابوالقاسم الموسوی
حسن الموسوی ابوالحسن طباطبائی محمد باقر طباطبائی محمد علی کاستانی
اسمعیل طباطبائی احمد الحسینی نصرالدین شیخ الاسلام محمد رضا الحسینی
داعی اسمعیل

سه شنبه ۱۵ ربیع الثانی ورقه فوق العاده جریده معارف محل فروش جلوه خان شمس العماره
کتابخانه معارف قیمت صد دینار

انقلاب طهران و همراهی اعلیحضرت هایونی با مقاصد ملت

عصر شنبه دوازدهم ربیع الثانی در آشنائی اینسکه مجلس منعقد و وکلای تماماً حاضر و مستعد خواندن
تقریه قانون اساسی بودند تلگرافی از تبریز رسید بملاحظه اهمیت آن کمسیون مخصوصی برای خواندن
آن معاند شد طاری تکشید که انصاء کمسیون باینک حالت خراب و آرد مجلس نده اظهار نمودند که
پسر رحیم خان چلبیانی در اطراف تبریز مشغول قتل و غارت است و در این دفعه اخیر در قراجه داغ
قریب دویست نفر کشته شده این فقره باعث اشتعال خاطر و کلا گردید نطقهای بسیار سخت و مهیج
نمودند و خبر سرایت بیابین نموده جماعت غربی مجتمع شده از عدم مساعدت دولت بلکه تحریک
خود دولت بر ضد ملت مذکور شد و در این بینها تلگرافی از رحیم خان به پسر خود نموده بود و او را
امر قتل و غارت کرده قرائت شد از طرف مجلس مراتب بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی عرضه
شد شاه فرمودند مطلب اصل ندارد و پسر رحیم خان ابتدا جرئت بچنین اقدامی نخواهد نمود و از طرف
مجلس اظهار شد که انجمن ملی تبریز تلگراف کرده بدون مأخذ نخواهد بود بالاخره بنا شد که فردا
تحقیق مطالب از نظام الملک سؤال شود

روز یکشنبه ۱۳ از صبح تعطیل عمومی شد حتی مدارس و بعضی ادارات دولتی مانند
پست خانه و تلگراف خانه ووزارت خارجه و غیره و در سخن بهارستان قریب هفت و هشت هزار فرجع
شده کلمات شورش انگیز و مناللات عالی قرائت کردند و مضمون آنها این بود که تمام فتنه و فساد اطراف
تحریک دولت است بالاخره اسباب چرانی که برای مبلاد آنها شده بود ملت راضی نشده بلکه
برادرانشان عزادار باشند و آنها بساط شادی داشته باشند چرانی را موقوف کردند و مقداری آلات
و ادوات در این بین شکسته شد از آن طرف جماعتی از حجج اسلامیه و وکلا مخصوصاً وکلای تبریز در
تلگرافخانه حاضر بآذربایجان بر سر آمدند جواب جناب نظام الملک حکمران آذربایجان بر صدق مطالب انجمن ملی تبریز
کواهی داد و از این قرار اعلیحضرت شاهنشاهی حکم فرمودند که رحیم خان در عمارت گلستان محبوس
و تلگراف به تبریز شد که پسر رحیم خان را گرفته مولودا روانه طهران نمایند این فقره
هیجان ملت را خاموش ننمود و اظهار شد که عمارت گلستان مأمن رحیم خان خواهد بود
نه محبس

روز دو شنبه دستخطی مشتمل بر حکم به حبس نمودن رحیم خان در اداره وزارت
عدلیه بمجلس عز وصول یافت باز مردم در باز کردن دکانین متوقف بودند بعد از ظهر
هیبتی از وکلای محترم به تفصیل ذیل شرف اندوز حضور هایونی شدند

صورت مجلس شرف اندوزی حضرات وکلای محترم بحضور اعلیحضرت شاهنشاهی

اعضا (آقای میرزا محسن آقا) (آقای میرزا فضلعلی آقا) (حاجی سید نصرالله)
(آقای سید محمد تقی مرآتی) (آقای ضیاع الدوله رئیس) (شرف الدوله)

(احسن الدوله) (مستشار الدوله) (حاجی محمد اسمعیل اقا) (حاجی امین الضرب)
 ابتدا جناب اشرف اقبال اعظم بحضور اعلیٰ حضرت باغستان عرضہ داشتند کہ حضرات
 وکلا بجهت تبریک عید ولادی ہاپونی سرف اندوز شدہ اند پس از ان اعلیٰ حضرت ہاپونی شرحی
 در نیت مقدسہ خود در ہمراہی با مجلس فرہوند و باقیان وکلا سقاری نمودند کہ زودتر
 قانون اساسی و بودجہ ماہیہ وسایر کارہای واجبع بمجلس را تمام بنمایند و باز شرحی در ہمراہی
 با مجلس و اتحاد دولت و ملت بیان فرمودند در این بین رو بجناب اقا میرزا فضلعلی اقا
 نمودہ بہ ترکی فرمودند شما کہ میدانید ہمیتہ خیالات ما مطوف باسایش و راحت ملت بودہ
 و در این بین جناب اقبال اعظم عرضہ داشتہ کہ حضرات وکلا محض خیر خواہی و خدمت
 بدولت و شخص اعلیٰ حضرت ہاپونی است کہ ہمیتہ ضرورت خود را با حضرات وزرائی مشول
 اظہار نمود و محمل انہا می شوند کہ کار ہارا انجام بدهند

—*— انجام کار —*—

حضرات وکلاء محترم پس از مرخصی از حضور ہاپونی بمجلس آمدہ در جلو عمارت مجلس جمعیت زیاد
 قریب دو سہ ہزار نفر مجتمع شد و منتظر نتیجہ بودند لہذا حضرات وکلای محترم امستادہ نطق های مفصل
 نمودند اولاً جناب حاجی سید نصر اللہ نطق مشروحی در اتحاد دولت و ملت و نیت مقدسہ ہاپونی در
 آسایش رعیت بیان فرمود و پس از آن جناب آقا میرزا فضلعلی اقلطانی ذیل را فرمود و مجلس بظہر گذشت

☆ نطق آقا میرزا فضلعلی اقا ☆

بتوجہ حضرات آقبان حجج اسلامہ و وکلاء محترمین مجلس مقدس و اقدامات مجدانہ اہالی طہران
 کار رحیمخان بانجام رسید و اعلیٰ حضرت شہریاری حبس او را کہ استندما شدہ بود بعلاوہ زنجیر مقرر
 فرمودند این روزها برای استعدای وکلای محترم در تبریز بنا داشتند کہ بازار ہارا باز نمایند ولی
 چون بستہ شدن بازار طہران شنیدہ اند از باز کردن بازار تبریز دست نگاہ داشتند ماہا بعد از ظہر
 باز شدن بازار ایچارا خریدادیم و در تبریز ہم تا یکدرجہ از اقدامات و گرفتن ریلست اہل و سوار وسایر
 شون و مساحت رحیمخان و پسرش و محول نمودن گرفتن سیاست بحکومت تبریز و بتصویب
 انجمن رضامندی حاصل نمودند دیروز ہم بوزارت داخلہ تشکر از این اقدامات امنای دولت در این
 باب عرض تبریک بحضور مبارک اعلیٰ حضرت شہریاری خدادانہ داشتہ نمودند ما حاضرین وکلاء آذربایجان
 از طرف عموم اہالی آذربایجان اولاً از شما تشکر بختہا و زحمات را مینمائیم کہ فرمایش حجج اسلامہ و
 وکلاء مجلس محترم را از بیات چراغان نمودن قبول فرمودہ و بزودی اقدام فرمائید کہ چنانچہ تا بحال
 اسم خود را بمدینت در آوردہ ایم من بعد ہم بخلاف اسمی در نہی آوردہ در میان دول و ملل قبول خواہش وکلاء
 ما ترا سربلند فرمائید و در باب تمہ قانون اساسی بلدت ما نیز اسباب احتلال حواس
 نشوید کہ مجلس محترم دقت را بدرجہ کامل نمودہ و اتمام شود کہ با محکمہ جز قوت تصویب نتیجہ حاصل نخواہد شد

تکلیف تا بین قرآن مجید با کسانی که قرض عهد و مخالفت قسم میباید چیست و حال خود ایشان در دنیا و آخرت چگونه خواهد بود؟

شاید بر هیچ فردی از افراد ملت نجیب و غیور ایران حقه بلامن و الایمان و الامان و بلکه بر تمامی اهل جهان پوشیده و پنهان نباشد که از ابتدای ظهور این اساس مقدس مشروطه تاکنون متجاوز از بیست کرور فقط از اهل ایران باخدای خویش عهد نموده و بکلام الله و لفظ جلاله قسم یاد کردند که مالا و جاناً باین اساس مقدس و مجلس اقدس همراه باشند تا آخرین قطره خون خود را در این راه حق (امر هم شوری بنهم و تاور هم فی الامر) بریزند چون وکلای محترم و مبعوثان محترم ملت معنم وارد مجلس شدند عهد کردند و قسم یاد نمودند که بگویند خود خیانت نکنند با تمام قوای خود در تشدید این اساس مقدس سعی و جاهد باشند و همچنین اعلیحضرت شاهنشاهی مکرر عهد کرد و قسم یاد نمود یکی از قسمنامه های اعلیحضرت ذیلا مرقوم میشود

قسمنامه ایست که اعلیحضرت هاپونی محمد علی شاه قاجار خلد الله ملکه در شب ۱۷ ذیحده ۱۳۲۵ (پشت قرآن مجید بخط مبارک خودشان نوشته)

و هموراً بمجلس فرستاده اند

چون بواسطه انقلابیکه این چندروزه در طهران و سایر ولایات ایران واقع شده برای ملت سوء ظنی حاصل شده بود که خدای شغراسته ما در مقام نقض عهد و مخالفت قانون اساسی مستقیم لهذا برای رفع این سوء ظن و اطمینان همه عموم ملت باستکلام الله مجید قسم یاد میکنیم که اساس مشروطیت و قوانین اساسی را کلیتاً در کمال مواظبت حایت و رعایت کرده و اجرای آنرا به هیچوجه غفلت نکنیم و هر کس برخلاف مشروطیت رفتار کرده مجازات سخت بدهیم و هرگاه نقض عهد و مخالفت از ما بروز کند در نزد صاحب قرآن مجید مسئول خواهیم بود

ذیحده ۱۳۲۵

(محمد علی شاه قاجار)

و همچنین وزرای مسئول و امرا و شاهزادگان و سرداران عموماً در مجلس مقدس حاضر شده عهد کرده و قسم یاد نمودند حتی خود جناب امیر بهادر سه مرتبه قسم یاد نموده و گفت خاطر جمع باشید و همچنین صاحبان

از نوبخانه و سر بازخانه و قرقخانه و سایر دوایر دولتی چندروز علی التوالی در مسجد سه سالار حاضر شده و قسم یاد نمودند و هکذا سایر دوایر دولتی مثل لنگر افخانه و بستخانه و قورخانه و ... و همچنین انجمنهای ملی و ایالتی و ولایتی و ... کویا هیچ کس وارد هیچ انجمن نشده مگر بقید قسم که مالا و جاناً باین اساس مقدس همراه باشد نظامنامه اساسی همه انجمنها شاهد ایندست و همچنین سایر طبقات مردم ایران این عهد را کرده و قسم یاد نمودند حتی ایلات و عشایر مثل لرستانها و قشقاییها و ایل عرب و غیره و غیره مکرر قسم یاد نموده و قسمنامه ایشان در مجلس مقدس ضبط است پس بر ترتیب جرایم از هم فرایض و اوجب واجبات و الزم امور بود که مجازات نقض عهد و مخالفت قسم را و تکلیف ششصد کرور تا بین قرآن را با کسانی که قرض عهد و مخالفت قسم میباید

از خود کتاب الله جل ذکره استخراج نموده عیان و بیان نمایند تا همه کس تکلیف خود را بدانند (لیهالک من هالک عن پنه و یحیی من حی عن پنه انقال ۸ : ۴۲) لکن از بدبختی غفلت شده لهذا بعضی از مردم از راه جهالت و نادانی و یا وسوسه شیطنانی قرض عهد نموده و قسم را میباشکنند و بعضی در حاشیه استبداد راه میروند یقین است که حال آنها مثل حال کسانیست که بیعت حضرت مسلم را بجهت درهم و دنانیر عبیدنه شکستند و بیعت را بهم زدند علی ای حال ما بر خود واجب و لازم دانسته که اینجمله را مشروحاً و مفصلاً در این صفحات عیان و بیان نمائیم

(مجازات نقض عهد و مخالفت قسم موافق قرآن)

در آیه ۱۲ الی ۱۶ از سوره ۹ توبه در حق کسانی که قسم میخورند و میباشکنند بدین نحو مکتوب است (و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقاتلوا ائمة الکفر انهم لا ایمان لهم بئنون الا فقاتلون قوماً نکثوا ایمانهم و هموا باخراج الرسول و هم بدؤکم اول مرة انکثونهم فانه احق ان تخشوه انکثتم مؤمنین فقاتلوا هم یذبهم الله بایدیکم و یخزهم و ینصرکم عابهم و یسف صدور قوم مؤمنین و یذهب غلبه قلوبهم) خلاصه معنی این کلمات مبارکات فارسی اینکه اگر کسانی که ظاهراً متصف بصفه ایمان و اسلامند قسم خورده

و عهد و پیمان کنند و بشکنند پس از اینکه عهد کرده بودند و قسم خورده بودند و طعن کنند در دین شما و عیب جوئی نمایند در طریقه شما پس بکشید سروران و سرداران کفر را بدستگیر کنید ایشان امان ندارند اعتبار نکنید بچیظه ظاهر میآید از امان چه اگر امان و اسلام داشتند عهد خود را بشکنند و مخالفت قسم نمیشودند پس ایشان مقاتله کنید شاید باز ایستند از اینطریقه مذمومه ایا مقاتله و جنگ و جهاد نمیکند با جماعتی که عهد و پیمان و قسم خود را شکستند و قصد کردند که پیغمبر را از مکه بیرون کنند و پیمان کردند بنقض عهد و مخالفت قسم بر شما ایا میترسید از ایشان خدا سزاوار تر است که از او ترسید در ترك قتال اگر مؤمن هستید جنگ و جهاد کنید ایشان تا خدا ایشانرا عذاب کند بدستهای شما و ایشانرا مقتول سازد با شمشیرهای شما تاروسا سازد ایشانرا بنوا پست و مقهوریت نصرت و یاری دهد شما را بر ایشان و شفا دهد سینه مؤمنین را تا ببرد خدا نصرت شما اندوه دلهای اذن را که بواسطه مخالفت قسم ملول بودند امام فخر رازی در ذیل شرح این آیات در صفحه ۵۹۵ از تفسیر کبیر جلد چهار چنین گوید (وکل المفسرین جمله علی نقض العهد) یعنی تمامی مفسرین لفظ نکت را حمل بنقض عهد و مخالفت قسم نمودند و میفرماید ایمان مذکور در این آیات جمع عین است و ان یعنی حلف و قسم است و علت تسمیه حلف بقسم و عین ان است که وقت قسم دست راست خود را دراز میکردند و بعضی گفته اند بجهت میدتی است که در اوست و در حدیث است که با ابراهیم مؤمنین علیه السلام عرض کردند که مگر اهل بصره را میکشی و حال آنکه مسلمانند در ظاهر حضرت فرمودند بجهت این آیه که در قرآن است (نکثوا ایمانهم) بدترین صفات خبیثه در انسان صفت نفاق است محققین اجماع و اتفاق دارند بر اینکه کفر منافق بدتر از کفر تاجر اصلی است و حدیث بیشتر و عذابش بالاتر (ان المنافقین فی لدرک الاسئل من النار) در آیه ۶ الی ۷ از بقره در مذمت کافر است و از آیه ۷ الی ۲۱ در مذمت منافق و یکی از صفات منافق آنست که قسم دروغ یاد میکند و نقض عهد میکند و قسم دروغ را برای خود وقفه جان و مال و سبب بلا قرار میدهد در آیه

۱۴ الی ۲۰ از سوره ۵۸ المجادله بدین نحو مرقوم است (ألم تر الی الذین قولوا قوماً غضب الله علیهم ما هم منکم ولا منهم و یحلفون علی الکذب وهم یعلمون ان الله لهم عذاباً شدیداً انهم ساء ما كانوا یعلمون اتخذوا ایمانهم حینه فصدوا عن سبیل الله فاهم عذاب بهم ان تنفی عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شیئاً اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون یوم یعذبهم الله جمیعاً فیحلفون له کما یحلفون لکم و یحسبون انهم علی شیئاً الا انهم هم الکاذبون استحوذوا بهم الشیطان فانسیم ذکراً اولئک حزب الشیطان الان حزب الشیطان هم الخاسرون) خلاصه یعنی ایا مبارکات به فارسی چنین مباد ایا نظر نمیکنی بسوی ان منافقین که دوستی میکنند بجمعی از یهودیها که خدا بر ایشان غضب کرده و در حق ایشان فرموده (من ولله لعنهم غضب علیه) و این منافقین نه از شما هستند و نه از یهودیها بلکه مذذبند تماماً و تماماً قسم دروغ میخورند خناب عذاب سخت و شدیدی برای ایشان در آتش جهنم مهیا کرده است و قسم دروغ را برای خودشان سبب بلا قرار داده اند مردم را از راه خدا باز میدارند عذاب خاری کننده برای ایشان است هرگز اموال و اولاد و جنسیت ایشانرا مستثنی نمیکند از عذاب خدا ایشان اصحاب النار و در او مخلدند یاد کن آیه که خدا منافقین را از میان قبور مبعوث میفرماید و ایشانرا بمقام استغفار آورده میفرماید چرا قسم دروغ خوردید چرا ایمان نیآوردید برای خدا هم قسم دروغ میخورند چنانچه برای شما (فیحلفون له کما یحلفون لکم) و خیال میکنند که قسم دروغ ایشان را نجات میدهد از عذاب الهی ایمانان بدانید که منافقان دروغ گو هستند هرگز بقسم ایشان اطمینان نکنید شیطان بوسه بر ایشان مستولی گردیده و ایشانرا بمصای و قسم دروغ مایل ساخته و ذکر حدیث از یازده ایشان برده ایشان لشکر شیطانند ای شدگان من بدانید که لشکر شیطان خسرو زیانکارانند و در عذاب مخلدند از این آیات مبارکات صریحاً معلوم میشود که کسکه طاعت کرد بقسم دروغ و نقض عهد در دنیا نمیتواند ترك کند سهل است در قبسات نیز گرفتار بهمین عذاب است در سوره مقدسه المنافقین نیز قریب بدخضمون وارد شده بلکه عین این مضمون را ناکید (اتخذوا ایمانهم حینه) و اگر در قرآن مجید هیچ نداشته باشیم در مخالفت قسم مگر همین آیات مبارکات

مزایه کفایت خواهد کرد پس حال چه خواهد بود در صورتیکه متجاوز از صد و بیست و هزار حدیث در انخصوص وارد شده است مثل آیه ۵۸ از سوره انفال که میفرماید (بتقضون عهدهم کل مره) یعنی بعضی از بدبختها هستند که عروقت قسم خوردند و عهد کردند میبکنند و آیه ۲۸ از سوره البقره و آیه ۲۵ از سوره رعد و آیه ۱۰ از سوره فتح و آیه ۱۵ از سوره احزاب و غیر ذلک از آیات کثیره که در بعضی از آنها میفرماید کسیکه عهد خود را بشکند ملعون و از اهل جهنم است و در بعضی میفرماید شککنده عهد ظلمت است و در بعضی میفرماید مسئول است (ان ائمه کان مسؤلاً) و در بعضی میفرماید (اوفو بعهود و اوف بعهودکم) و در حدیث میفرماید کسیکه عهد ندارد دین ندارد

➤ تلخیص ➤

خلاصه این آیات مبارک امور اینهاست (۱) اخذ رازی در ذیل آیات سوره توبه میفرماید که خداوند در این آیات سه چیز فرموده که هر یک از آنها منفرداً مقاله را واجب میکند پس حال چه خواهد شد در صورتیکه هر سه در یک شخص جمع بشود اول قرض عین و مخالفت عهد است دوم قصد اخراج رسول اکرم است از وطن و در آیه ۹ از سوره ممتحنه میفرماید احسان نکنید در حق کسیکه با شما مقاله کرد و شمارا اخراج کرد از دیار شما و یکدیگر را کشت ضررند بر خراج شما از دیار شما (انما ینهبکم الله عن الین قالو کم فی الدین و اخرجو کم من دیار کم و ظاهرها علی اخراجکم ان ولوا هم و من یتولهم فالولک هم المظالمون) اصل ۱۴ از قانون اساسی موافق این آیه و امتثال است که میفرماید هیچیک از ایرانیان را نمیتواند نفی بند یا منع از اقامت در محلی یا مجبور بقامت محل معین نمود سیم ابتدا بتقض عهد و قتل (۲) کسیکه نقض عهد می نماید ایان ندارد (۳) کسیکه نقض عهد میباید نماید از او رسیده (۴) خدا میخواهد او را عذاب نماید بدست مؤمنین (۵) نقض عهد خار و ذلیل است (۶) مؤمنین بر او غلبه خواهند کرد (۷) سینه مؤمنین شفا خواهد یافت بواسطه ذلت که در عهد شکن می بیند (۸) غیظ دلای ایشان میرود ۹ عهد شکن منافق است ۱۰ قسم دروغ میخورد (۱۱) عذاب

شدید برای او میباشد ۱۲ قسم دروغ را برای خود سبب بلا قرار داده ۱۳ مردم را از راه خدا بازمی دارد ۱۴ هر قدر مال و اولاد و جمعیت داشته باشد باز خار و ذلیل است ۱۵ در دنیا قسم دروغ میخورد در آخرت هم ۱۶ شیطان بر او غلبه کرده است ۱۷ ذکر خدا را فراموش کرده است ۱۸ قسم دروغ خور از لشکر شیطان است ۱۹ لشکر شیطان خائب و ظالم است ۲۰ کسیکه نقض عهد میباید ملعون است ۲۱ جای او در جهنم است ۲۲ کسیکه عادی شد بپسند شکستن همه وقت میبکند ۲۳ قول او محل اعتماد و اطمینان نخواهد بود ۲۴ مسئول است ۲۵ متروک و خرد دنیا والاخر است با یهودیها میسازد ۲۶ مدعی اول او خداست میفرماید چرا شریف کتاب مرا بردی قسم دروغ دوم جبرئیل است که آورنده این کتاب مبارک است سیم رسول خداست که مباح این کتاب مقدس است چهارم آنکه ظالمینند که حافظ این کتاب مبارکند بخصوص امام عصر عجل الله ظهوره که در این زمان حافظ این کتاب مبارک است پنجم مدعی عهد شکن و قسم دروغ خور شد و پنجاه کرور مسلمانان روی زمینند از ایرانیها و هندسیها و چینیهها و قفقازیها و مصریهها و سودانیها و مراکشیها و عثمانیهها و غیر ایشان از نابین قران خواهند گفت بچه دلیل شریف کتاب اسمانی ما را بردی عموماً بعهد شکن مجاهد و مقاتله خواهند کرد و ادعای شرف خواهند نمود کیست که بتواند جواب اینهمه مدعیها را بگوید ای برادران دینی ای اخلاقی روحانی بیدار باشید هوشیار باشید برای دراهم مدوده دنیا خودتانرا بشمشیر خدا مزید عهد مشکند بیایید بیایید قسم خود وفا کنید با مجلس مقدس همراهی کنید خودتانرا به بدقولی و بد فطرتی در تمامی دنیا معرفی نکنید والا بهمان آیات مبارک است که شنیدید قسم میخورم که در دنیا آخرت خار و ذلیل خواهید بود شرف و ناموس داشته باشید که بهترین چیزهاست از ما نصیحت بود کردیم حالا شما دانید باخدای خود حواله شما بصاحب قران مانکلیف خودمانرا ادا کردیم در مقام برادری

❖ کل ما حکم به النرع حکم به العقل وبالکس ❖

همانطوریکه نقض عهد و مخالفت قسم و خراب وعده و کذب در شراعی باعلی درجه از قباحت است بخوبی که دانستی در نزد عقل نیز بهمان درجه از قباحت است لهذا عقلای جهان

اتفاق دارند بر مذمت اشخاصی که مرئوسان نقض عهد و خلاف قسم و وعده‌های دروغ بکشوند مثلاً اگر شخصی بت پرست کا، پرست و طیبی که منکر همه اشباه است بشود که بکفر یهودی یا نصرانی و یا مسلمان که بکتاب اسمانی خود قسم یاد نموده نقض کرده طبعاً از او تنفر میشود در مجالس و محافل از او مذمت میکنند او را دشمن میدانند از مجمع انبیا بت خارجش میشمارد و لو اینست که این نقض عهد هیچ ضرری بمجال او نداشته باشد عاقبتی است که عقل این جور چیزها را قبیح میشمارد کل ما حکم بالشرع حکم بالعدل و بالعسک آنچه تاکنون تحریر شد از مذمتها و ملامتها در حق کسانی که نقض عهد میکنند و مخالفت قسم میکنند در باب مطلق اشخاص است و مطلق امور ولو اشخاص منافق و یهودی و بی سرو یا و از اراذل باشند در امور جزیه پس از جمله و انجمن است هر قدر که شخص بزرگ باشد و از اعیان و اشراف و مقوم با سر خطبر باشد و قسم مؤکد . . . قیاحت بالا می رود و مصیبت بزرگتر و عذابش شدیدتر خواهد شد حتی آنکه اگر رئیس یک شرکاتی و یا مدبر یک مجمع یا رئیس یک قومی نقض قسم و خلاف وعده نماید چون بشرافت اعضا و افراد ایل می خورد قانوناً حق دارند که از رئیس خود ادعای شرف نمایند و اگر مثلاً نمایند یک ملت نقض عهد کنند و قسم دروغ بخورد و خلاف وعده نماید عزت و شرافت و ناموس ملت را برده علاوه بر هتک شرف کتاب اسمانی که مشترک فیما بین جمیع مسلمانان است هر وقت یک دیوانخانه معتدب پیدا شد مثل لاهه و غیره ملت حق دارد که متظام شود بلکه عموم مسلمانان ولو خارج ازان مملکت باشد حق دارند که متظام و مدعی شوند و او را جلب بدیوانخانه نمایند که چر اشرافت کتاب اسمانی ما را بریدی بحکم حقوق بین الملل

● سلطنت ساجیان ●

۳۸ : ۳۵ (ب) اغزلی و هبلی ملکا لایبئی لاحدمن بعدی) (س) سلطنت کذائی سلیمان بان عظمت و بزرگی چه شد (ج) فاصله چند روز بعد از خودش از کائنات منزلت دمگشتن رفت دو قسمش باقی ماند (س) علت زوال سلطنت این است حکامی فاصله چند روز چه بود (ج) سو تدبیر چند نفر یهودی جوان شهوت پرست و خود پسند و متکبر که با رحیم بن سلیمان بزرگ شده بودند و امنشای دربارش بودند سبب زوال سلطنت سلیمانی شد (س) شرح این امر غریب حیات (ج) شرحش بطور اجمال

آنکه بعد از سلیمان پدرش رحیم که اسم مادرش نعه عمونیه بود امل ۱۴ : ۲۱ عمونیان که از اقوام ناهنجیب اترمان بودند و شرح ناهنجیبی ایشان در ابه ۳۰ الی آخر باب ۱۹ از سفر تکوین توریة مرقوم است و موع بودند از دخول در جماعت خداوند بحکم ابه ۳ از باب ۲۳ از سفر متی توریة شجرة ایشان شجرة خبیثه بوده پس رحیم بعد از رحلت حضرت سلیمان آمد بشکیم برای تاج گذاری بر یام بن بناط با مشایخ اسرائیل آمدند پیش او بخوف از او خواستند پادشاه جوان مغرور سه روز مهلت خواست مشایخ اسرائیل بر آنستند پس رحیم و زرای پدرش را طلبید مثل اسف و غیره با ایشان مشورت ~~ص~~ کرد همه رای دادند که خواهش ملت را باید قبول ~~ص~~ کرد خواهش ملت را قبول کردن پول از این جیب در آوردن و بان جیب ریختن است و امروز هر چه دادی فردا هزار مقابل میتوانی از ملت بگیری و اما افسوس ان جوان مغرور مشورت عقلا را استماع نمود با جوانانیکه با وی بزرگ شده بودند مشورت کرد ان جوانان بی غیرت بی شرف بر شهوت ~~ص~~ گفتند صلاح در عدم قبول قول ملت و تهدید ایشان است ان جوان قول ان جوانها را قبول کرد و بعد از سه روز مشایخ اسرائیل آمدند جواب تهدید ویس و نام پندی شنیدند و رفتند و گفتند ما را در آل داود بهره نیست اسرائیل بچشمه های خود بروید رفتند بر یام این بناطوا بر خود سلطان فرار دادند رحیم نام شد رسول فرستاد رسولش را کشتند فرار کرده بپورشلیم آمد یکصد و هشتاد هزار لشکر جمع کرد که برود جنگ کند سلطنت را برای خود برقرار نماید خداشعبای بی را فرستاد پیش لشکریان او بایشان گفت ای لشکریان با برادران خود نجنگید حرف این جوان غیر مجرب را نشنوید خدا خواسته که سلطنت او برود

[باب ۱۲ از کتاب اول ملوک ملاحظه شود] سلطنت سلیمان از سوء تدبیر شایسته های اترمان رفت که رفت دیگر بر نکست بلی نتیجه مخالفت با ملت همین است و پس بهتر کلمات کلام خداست خوب است که این مقاله را ختم کنیم بقول خدا افعال ۸ : ۴۷ ولا سازعوا و فشاوا و تذهب ربکم و اصبروا ان الله مع الصابرين نمرات نزاع ملتی و دولتی غیر از رفتن دولت بقول خود خدا هیچ نیست الصلح سبب الاحکام

زنده باد اتفاق و اتحاد و برادری و برابری زنده باد مشروطه مردم باد استبداد والسلام